

بیت

گائون محبت

رهنمودهای اخلاقی پیامبر اعظم در باره خانواده
سید حسین اسماعیلی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کانون محبت: رهنمودهای اخلاقی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درباره خانواده

نویسنده:

حسین اسحاقی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	کانون محبت: رهنمودهای اخلاقی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درباره خانواده
۷	مشخصات کتاب
۷	دیبچه
۱۰	پیش گفتار
۱۵	۱. خدامحوری
۱۷	۲. دوستی خدا
۱۸	۳. تلاوت قرآن
۱۹	۴. مهربانی و محبت
۲۰	۵. حیا
۲۲	۶. عزت نفس
۲۵	۷. وقت شناسی
۲۷	۸. غیرت مندی
۲۹	۹. همسر داری
۳۱	۱۰. کار در خانه
۳۳	۱۱. تحکیم روابط زناشویی
۳۷	۱۲. پاسداشت مقام مادر
۴۰	۱۳. تربیت دینی فرزندان ۱
۴۸	۱۴. خوردن و آشامیدن
۵۳	۱۵. بهداشت و آراستگی
۵۷	۱۶. نرم خویی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
۶۰	۱۷. همسایه داری
۶۳	۱۸. صله رحم
۶۵	۱۹. میهمان دوستی و آداب میهمانی

۷۱	۲۰. احترام به سالمندان
۷۲	۲۱. یتیم نوازی
۷۵	۲۲. مسکین نوازی
۷۷	۲۳. عیادت و پرستاری از بیمار
۸۰	۲۴. ساده زیستی و بی آلاچی
۸۳	۲۵. میانه روی در زندگی
۸۶	۲۶. ارزش کار و کارگری
۸۹	۲۷. صدقه و بخشش
۹۲	فرجام سخن
۹۵	گلچینی از سخنان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله
۹۵	اشاره
۹۵	۱. وظایف متقابل زن و شوهر
۹۵	اشاره
۹۵	الف) وظایف شوهر
۹۹	ب) وظایف زن
۱۰۳	۲. تربیت فرزندان
۱۰۶	کتاب نامه
۱۱۱	درباره مرکز

کانون محبت: رهنمودهای اخلاقی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درباره خانواده

مشخصات کتاب

کانون محبت (رهنمودهای اخلاقی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درباره خانواده)

کد: ۱۰۸۷

نویسنده: سیدحسین اسحاقی

ویراستار: محمدصادق دهقان

تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ناشر: کتاب طه

چاپ: زلال کوثر

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۵

شمارگان: ۲۵۰۰

بها: ۲۰۰۰۰ ریال

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: [Email: IRC@IRIB.ir](mailto:IRC@IRIB.ir)

تلفن: ۰۲۵۱-۲۹۱۹۶۷۰ - دورنگار: ۲۹۱۵۵۱۰

شابک: ۹۶۴-۹۶۸۷۳-۴-۳-۹۶۸۷۳-۴-۳ \ ISBN: ۹۶۴

ص: ۱

دیباچه

خانواده در اسلام از جایگاه والایی برخوردار است به گونه ای که نخستین کلاس تربیتی افراد شمرده می شود. گرچه در تربیت افراد، عوامل محیطی و مانند آن نیز مؤثر است، ولی به یقین، در رتبه جایگاه نهاد خانواده نیستند. از این رو، اسلام، دستورها و راهکارهای دقیق و سنجیده ای درباره چگونگی تربیت خانوادگی دارد.

از آنجا که مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، امسال را به نام مبارک خاتم الانبیاء، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله آراسته است، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما به سفارش دبیرخانه شورای معارف سیما و همکاری جناب آقای فارسیحانی بر آن شد تا مجموعه ای از رهنمودهای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را در موضوع خانواده فراهم آورد و از آن برای انجام مسابقه های دینی، به تقویت رفتار محمدی صلی الله علیه و آله میان خانواده های جامعه اسلامی یاری رساند.

در پایان از بخش فوریت های پژوهشی اداره کل پژوهش به ویژه آقایان مظهري، بهرامیان و آقاجانی که در کوتاه ترین زمان ممکن در تهیه و تنظیم این اثر کوشیدند، سپاس گزاریم و دیدگانمان را همواره به سوی رهنمودهای سودمند خوانندگان می گشاییم.

انه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، نعمت های الهی را گرچه کم بود، بزرگ می شمرد و هرگز نکوهش نمی کرد. برای مسائل مادی و دنیوی عصبانی نمی شد. خنده او تبسم بود، نه قهقهه، به بزرگ هر قومی احترام می گذاشت. هنگامی که وارد جمعی می شد، محل نشستن خود را آخرین نقطه مجلس قرار می داد. به گونه ای برخورد می کرد که هر کسی می پنداشت محبوب ترین فرد نزد پیامبر، خود اوست. هر کسی از او حاجتی می خواست، یا آن را انجام می داد یا با زبان خوش، او را رد می کرد. برای مردم، پدر بود و همه نزد او مساوی بودند. مجلس او مجلس حلم و حیا و صدق و امانت بود و در آن مجلس صداها بلند نمی شد. به پیران احترام می گذاشت و به کودکان محبت و ترحم می کرد. گشاده رو، نرم خو و خوش برخورد بود. خشونت، ناروا گویی، عیب جویی و ستایش گری نابجا در نهاد او نبود. نسبت به آنچه نمی خواست، به جای انتقاد، تغافل می کرد و می گذشت. کسی را از خودش ناامید نمی ساخت.

اهل جدال، چانه زنی و سرگرم شدن به حرف های بیهوده نبود. کسی را نکوهش نمی کرد. جز در اموری که امید پاداش بود، سخن نمی گفت. هنگام خنده، با مردم می خندید و هنگام تعجب و تحسین نیز آنان را همراهی می کرد. اگر کسی که نا آشنا و غریب بود، در گفتار و رفتار به حضرت جفا می کرد، او را تحمل می کرد. تا گفتار کسی از حق تجاوز نمی کرد، سخن او راقطع نمی کرد و هنگامی که می دید سخنان کسی از مرز حق می گذرد یا با نهی خود و یا با ترک جلسه، سخن او را

قطع می کرد. مانند بردگان، روی زمین می نشست. با دست خودش، کفش خود را پینه می کرد. به اهل خانه می فرمود: «برده ای را که در آن تصویر است، از جلوی چشم من بردارید».

از خوف خداوند، بسیار می گریست. همواره به ذکر الهی مشغول بود. هر روز هفتاد مرتبه استغفار می کرد. سخی ترین و راست گوترین، باوفاترین و نرم خوترین مردم بود. هرچه داشت، در راه خدا می داد و فقط به اندازه احتیاج سال، نگه داری می کرد. با فقیران می نشست و با مسکینان غذا می خورد. نسبت به فرهیختگان عنایت داشت. با خویشاوندان صله رحم می کرد، ولی به صرف خویشاوند بودن، آنها را بر کسانی که افضل بودند، ترجیح نمی داد. عذر مقصران را می پذیرفت. درخوراک و پوشاک با بردگانش یکسان بود. لحظه ای وقت خود را تلف نمی کرد. (هنگام خستگی) به باغ های اصحاب خود می رفت. نه کسی را به خاطر فقرش تحقیر می کرد و نه کسی را به خاطر قدرتش تکریم. دیر عصبانی می شد، ولی زود راضی می گشت. موعظه اش، جدی و غضبش الهی بود. در برابر حوادث از خداوند هدایت می خواست و کار را به او تفویض می کرد و به خودش تکیه نمی کرد. نمونه و مصداق روشن و عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ (ابراهیم: ۱۲) و «أَفُؤْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ» (مؤمن: ۴۴) بود. لباسش را وصله می کرد. شیر حیوان را می دوشید. با بردگان غذا می خورد. نیاز خودش را از بازار می خرید. با توانگر و فقیر به طور یکسان دست

می داد و تا آنها دست خود را نمی کشیدند، دست خود را نمی کشید. به همه سلام می کرد و می فرمود تا آخر عمر، سلام کردن به کودکان را رها نمی کنم تا این عادت پس از من بماند. در مجلس، پای خود را دراز نمی کرد. در انتخاب میان دو کار، سخت ترین آنها را می پذیرفت. در حال تکیه دادن، غذا نمی خورد. خدابه را خلاصه می خواند. به بوی خوش معروف بود. در سفره، دست خود را به اطراف دراز نمی کرد و از پیش خود غذا برمی داشت. آب آشامیدنی را به سه نفس می نوشید. به همه مردم یکسان می نگریست. گاهی مزاح می فرمود، ولی جز حرف حق نمی زد. در نشستن رو به قبله می نشست. هرگز از کسی انتقام نگرفت، بلکه او را می بخشید.

اگر سه روز، یارانش را نمی دید، سراغشان را می گرفت؛ اگر مسافر بود، در حقش دعا می کرد و اگر بیمار بود، از او عیادت می کرد و اگر سالم بود، به دیدارش می رفت. مردم را با احترام نام می برد (با کنیه و لقب). حتی نسبت به کودکان این گونه رفتار می کرد و بدین وسیله آنان را جذب می کرد. از هدایایی که به محضرش می آوردند، می خورد، ولی از صدقه نمی خورد. پس از طلوع خورشید برای کار از خانه بیرون می رفت. شارب و ناخن خود را کوتاه و آن را دفن می کرد. برای سفر، روز پنج شنبه را انتخاب می کرد و در سفر، آینه، سرمه و مسواک را همراه خود برمی داشت. راه رفتنش طبیعی بود و در سفر در سرایشی ها، «لا-إلهَ إِلاَّ-اللهُ» و در سر بالایی ها، تکبیر می گفت. در سفر، هنگامی که جایی را برای اتراق در نظر می گرفت، هنگام انتقال دادن بار، دو رکعت نماز می خواند و می فرمود: «این قطعه زمین شاهد نماز ما باشد.» هنگام وداع با یکی از مسافران مسلمان، چنین دعا می خواند: «خداوند تقوا را

زاد شما قرار دهد و شما را به هر خیری برساند و از هر جهت کامروا باشید و دین و دنیای شما سالم باشد و با سلامت و دست پر برگردید».

از لباس سبز و سفید، شاد بود. برای روز جمعه، لباس ویژه داشت. عمامه بر سر می گذاشت و انگشتر در دست راست می کرد. لباس را از سمت راست در برمی کرد و آن را از ناحیه چپ از تن در می آورد و می گفت: «خدا را شکر که مرا لباس پوشاند تا وسیله حفظ و زیبایی ام باشد.» بر حصیر می خوابید. لباسش از پنبه بود و فقط در موارد خاص از لباس پشمی استفاده می کرد. برای نسل خود (حسن و حسین علیه السلام) در روز هفتم تولد عقیقه می کرد و به مقدار وزن موی نوزادان، نقره به فقیر می داد. بین هر دو لقمه، خدا را شکر می کرد. پس از غذا خوردن خلال می کرد. هنگام آب نوشیدن «بِسْمِ اللّٰهِ» می گفت. برای خوردن غذا، دست خود را به خوبی می شست. از غذای داغ پرهیز می کرد. (پیش از ملاقات با مردم) سیر و پیاز نمی خورد. به تنهایی غذا نمی خورد (و دیگران را مهمان می کرد).

روز عید قربان، دو حیوان می کشت: یکی از جانب خود و یکی برای آن دسته از امتش که توانایی قربانی نداشتند. هنگام تشییع جنازه، غمناک و کم حرف بود. با مقدار بسیار کمی آب (ده سیر) وضو می گرفت. مسواکش همیشه همراه و حتی زیر متکایش بود. نمازهای مستحبی اش دو برابر نمازهای واجبش بود. هنگامی که برای نماز شب بیدار می شد، ابتدا به طرف آسمان نگاه می کرد و آیات آخر سوره آل عمران را می خواند. به نمازهای مستحبی خود در ماه رمضان می افزود. هنگامی که کسی در کنار او می نشست

و کاری با ایشان داشت، نماز خود را کوتاه می کرد تا اگر حاجتی دارد، بگوید. در دهه سوم ماه رمضان در مسجد معتکف می شد و اگر در رمضان موفق نمی شد، در رمضان دیگر، دو برابر آن یعنی بیست روز معتکف می شد. در دهه سوم رمضان، رخت خواب خود را جمع می کرد و نمی خوابید. برای بیدار داشتن اهل خود در شب بیست و سوم رمضان، به صورت آنان آب می پاشید. فاطمه زهرا علیهاالسلام نیز برای فرزندان خود همین کار را انجام می داد و می فرمود: «محروم کسی است که از خیر این شب محروم بماند»^(۱).

ص: ۸

۱- نک: علامه سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۶، ص ۳۲۱.

۱. خدامحوری

۱. خدامحوری

خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام، خانواده ای است که اعضای آن در همه کارها، رضای الهی را محور قرار می دهند و کارهای خود را با آن تنظیم می کند. هر جا که کاری را هم سو با رضایت الهی نیافتند، ترک می کنند، هر چند منافع مادی زیادی برای آنها داشته باشد. در مقابل، اگر کاری را پر مشقت، ولی مقبول الهی دیدند، زحمت هایش را به جان می خرنند تا آن را به انجام رسانند. دوستی و دشمنی های اعضای چنین خانواده ای نیز تنها برای خدا خواهد بود. اگر با کسی دوستی می کند، چون او را بنده خوب خدا می داند و هم نشینی با او را مطلوب می پندارد؛ زیرا دیدار و رفتار آن دوست، او را به یاد خدا می اندازد و بر درجه یقین و حضورش می افزاید. اگر کسی را نیز از خود می راند، به این سبب است که او مسیر رحمانی را رها کرده و به جاده شیطانی وارد شده است. به راستی که رسیدن به این مقام، بسیار دشوار است و به خاطر دشواری آن، چنین آدمی را می توان از برگزیدگان خاص الهی به شمار آورد، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

وَأُولَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُؤْمِنِينَ فِي اللَّهِ مِنْ أَعْظَمِ شُعَبِ الْإِيمَانِ وَمَنْ أَحَبَّ فِي اللَّهِ وَ

أَبْغَضَ فِي اللَّهِ وَ أَعْطَى فِي اللَّهِ وَ مَنَعَ فِي اللَّهِ فَهُوَ مِنَ الْأَصْفِيَاءِ. (۱)

دوستی مؤمن با مؤمن برای رضای خدا، از بزرگ ترین رشته های ایمان است و کسی که برای خدا دوست بدارد و برای خدا با کسی دشمن باشد و برای خدا بخشش داشته باشد و برای خدا از دادن، خودداری کند، از برگزیدگان است.

خانواده ای که برای انجام وظایف و مسئولیت های خود در مسیر خشنودی خداوند گام برمی دارد، اگر به نتیجه هم نرسد، اندوهگین نمی شود؛ زیرا به وظیفه خویش عمل کرده است. چه بسیار نتایجی که آدمی به گمان خود، آنها را نیکو می شمارد، ولی در واقع، جز زیان نصیبش نمی شود. درباره نعمت ها نیز انسان باید خدامحور باشد و بخشنده واقعی را بشناسد و از او سپاس گزار یکنند. ممکن است واسطه هایی این نعمت ها را به آدمی برسانند، ولی نباید هرگز سبب اصلی را فراموش کند. پیامبر گرامی اسلام در توصیه ای می فرماید:

إِنَّ مِنَ الْيَقِينِ أَنْ لَا تُرْضِيَ أَحَدًا بِسَخْدِ اللَّهِ وَلَا تَحْمَدَ أَحَدًا بِمَا آتَاكَ اللَّهُ وَلَا تَذُمَّ أَحَدًا عَلَى مَا لَمْ يُؤْتِكَ اللَّهُ. (۲)

از نشانه های یقین آن است که برای رضای کسی، خدا را از خود خشمگین نسازی. در برابر نعمت هایی که خداوند به تو داده است، فردی را سپاس نگویی و در مورد آنچه خدا به تو نداده است، کسی را نکوهش نکنی.

ص: ۱۰

۱- تحف العقول، ص ۴۸.

۲- همان، ص ۶.

برترین گونه عشق و محبت که به آن عشق واقعی می گویند، حب به ذات لایزال الهی است. عاشق خداوند، دوستی او را بر هر چیزی مقدم می دارد و همه هستی خویش را برای محبت او فدا می کند. محبت به خدا در زندگی دنیوی، با کمک به نیازمندان، انجام خدمات خدایسندانه و اصلاح امور هم نوعان تجلی می یابد. پیامبر گرامی اسلام درباره کسی که محبت خدا را بر محبت بندگان ترجیح می دهد، می فرماید:

مَنْ آثَرَ مَحَبَّةَ اللَّهِ عَلَى مَحَبَّةِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ مَمُونَةَ النَّاسِ. (۱)

هر که محبت خدا را بر محبت مردم ترجیح دهد، خداوند، او را از نیازمندی به مردم، کفایت می کند.

ص: ۱۱

آدمی در طول زندگی و در رویارویی با مسائل گوناگون مادی به زنگارها و آلودگی هایی دچار می شود که برای زدودن آن، به تصفیه معنوی و درونی نیاز دارد. یکی از بهترین راه های تصفیه ناخالصی ها، تلاوت قرآن است. قرآن، اکسیر گران بهایی است که با هر چه برخورد کند، به آن رنگ خدایی می دهد و ناخالصی ها را به نورانیت و صفا تبدیل می کند. در حقیقت، کلام قرآن، معجون شفابخش و داروی هر دردی است که خدای بزرگ، آن را برای تصفیه دل های بیمار قرار داده است. با تلاوت آیات الهی، قلب انسان نورانی می شود و معنویت خاصی، سراسر وجود آدمی را فرا می گیرد و احساس آرامش و آسایش به او دست می دهد. پس بیایم ساعتی از شب یا روز را به این مهم اختصاص دهیم که پیامبر اسلام فرموده است:

إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَصْدَأُ كَمَا يَصْدَأُ الْحَدِيدُ. قِيلَ فَمَا جَلَاءُهَا؟ قَالَ: ذِكْرُ الْمَوْتِ وَ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ. (۱)

دل ها مانند آهن زنگ می زند. گفتند: «صیقل آن چیست؟» فرمود: «یاد مرگ و خواندن قرآن».

ص: ۱۲

۴. مهربانی و محبت

۴. مهربانی و محبت

دایره عطوفت و مهربانی آنچنان در رسول گرامی اسلام گسترده بود که از نزدیک ترین فرد خانواده اش گرفته تا اصحاب و یاران و نیز کودکان و یتیمان و حتی گمراهان و اسیران را دربرمی گرفت. در حقیقت، این رفتار، شعاعی تابناک از انوار الهی در سرزمین وجود پاک پیامبر گرامی اسلام بود که: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ؛ رحمت خدا، تو را با ایشان مهربان گردانید». (آل عمران: ۱۵۹)

پیامبر به مؤمنان و دوستان رسالتش محبت و عاطفه ای خاص داشت. آن حضرت پیوسته جویای حال اصحاب خود بود و از آنان دل جویی می کرد. اگر سه روز یکی از آنها را نمی دید، احوال او را می پرسید. اگر می گفتند به سفر رفته است، برای او دعا می کرد و اگر حاضر بود، به دیدن او می رفت و چنانچه بیمار بود، از وی عیادت می کرد. (۱)

ص: ۱۳

۱- سنن النبی، ص ۵۱.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود: «الْإِسْلَامُ عُزْيَانٌ فَلِبَاسُهُ الْحَيَاءُ؛ اسلام، برهنه است و لباس آن حیاست».(۱)

به درستی که حیا و پاک دامن از ویژگی های اخلاقی اهل ایمان و خوی آزادگان است. الگوی کامل بشر یعنی پیامبر اسلام نیز مظهر حیا و عفت بود. ایشان چنان به زیور حیا و عفت آراسته بود که از کارهای مباحی هم که تا اندازه کمی شایبه کم عفتی در آن می رفت، دوری می جست. امام صادق علیه السلام درباره این خصلت پسندیده حضرت می فرماید:

اِذَا جَلَسَ لَمْ يَحُلِّ جَبْوَتَهُ حَتَّى يَقُومَ جَلِيسَهُ.(۲)

وقتی پیامبر با کسی می نشست، تا او حضور داشت، حضرت لباسش را از تن در نمی آورد.

همچنین از ابی سعید خدری نقل شده است که:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَشَدَّ حَيَاءً مِنَ الْعَذْرَاءِ فِي خِدْرِهَا وَ كَانَ إِذَا كَرِهَ شَيْئًا عَرَفْنَا فِي وَجْهِهِ.(۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله از دختران پس پرده باحیاط تر بود و چنان بود که هنگامی چیزی را دوست نمی داشت، از قیافه آن حضرت می فهمیدیم.

ص: ۱۴

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶.

۲- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۸۴.

۳- مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۱۷.

پیوند حیا با ایمان چنان است که در زبان پیشوایان حق، قرین یکدیگر تعبیر شده اند که با رفتن یکی از آن دو، دیگری نیز می رود و کثرت حیا نشانه زیادی ایمان انسان است. حیا، از بهترین ویژگی های انسانی و عاقل ترین انسان ها باحیاترین آنهاست انسانی که حیا ندارد، خیری ندارد؛ چون همه حیا، خیر و نیکی است. آن گاه که حیا نباشد، هر کاری مجاز می شود. از پیامبر نقل شده است که اگر حیا نمی کنی، پس هر کاری برای تو مجاز است و آنچه خواستی، انجام می دهی؛^(۱) زیرا انسان آزاد از خدا و اباحی مذهب، هیچ قید و بندی بر خود نمی بیند، مگر آنچه حافظ منافع و تعلق های نفسانی اوست. آن را که حیا نیست، دارویی برای دردش نیست؛ چون بی حیایی، درد بی درمان است.

حیا از خدا، زمینه های بسیاری از گناهان را از بین می برد و انسان را از زشت کاری باز می دارد و آدمی را از عذاب و آتش ننگه می دارد. از سوی دیگر، حیا و عفت چنان با یکدیگر پیوند دارند که گویا دوروی یک سکه اند. به بیان امیرمؤمنان علی علیه السلام، حیا و عفت دوشادوش یکدیگرند.^(۲) رابطه حیا و عفت دوسویه و تنگاتنگ است و ثمره حیا، عفت است. پس حیا عامل پاک دامنی است.^(۳)

ص: ۱۵

۱- عیون الاخبار، ج ۱، ص ۲۷۹.

۲- غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۲.

۳- سیره نبوی، دفتر اول، ص ۳۲۲.

۶. عزت نفس

۶. عزت نفس

پیشوایان حق به پیروان خود آموختند که عزت مؤمن در بی نیازی از مردم است. نبی مکرم اسلام می فرماید:

عَزُّ الْمُؤْمِنِ اسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ. (۱)

عزت مؤمن در بی نیازی او از مردم است.

البته این سخن به معنای بی نیازی انسان ها از یکدیگر در روابط اجتماعی نیست، بلکه به این معنا است که آدمی در روابط اجتماعی و رفع نیازها، همواره باید حفظ عزت نفس خود را در نظر داشته باشد. پیامبر عزت مند اسلام در سخنی دیگر می فرماید:

أَطْلُبُوا الْحَوَائِجَ بِعِزِّهِ النَّفْسِ. (۲)

خواسته های خود را با حفظ عزت نفس بخواهید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برخورد با مردم چنین رفتار می کرد تا جلوه بی نیازی از دیگران در آنها شکوفا شود. در این زمینه، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که مردی از اصحاب پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله دچار تنگ دستی و سختی شد. روزی همسرش به وی گفت: کاش خدمت پیامبر می رسیدی و

ص: ۱۶

۱- شیخ عباس قمی، انوار البهیة، ص ۲۲۱.

۲- نهج السعادة، ج ۸، ص ۲۷۶.

از او چیزی می خواستی. مرد خدمت پیامبر آمد و چون حضرت، او را دید، فرمود: هر کس از ما درخواستی داشته باشد، به او عطا کنیم و هر کس بی نیازی جوید، خداوند بی نیازش کند. مرد با خود گفت: منظور پیامبر جز من نیست. پس به سوی همسرش بازگشت و او را از این ماجرا آگاه کرد. زن گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز بشر است و از حال تو آگاه نیست. او را آگاه ساز. مرد دوباره نزد پیامبر آمد و چون حضرت، او را دید، همان جمله را فرمود و این کار سه بار تکرار شد. در نتیجه، مرد رفت و کلنگی عاریه گرفت و راهی صحرا شد. قدری هیزم برید و آورد و به نیم چارک آرد فروخت و آن را به خانه برد و خوردند. فردای آن روز هیزم بیشتری آورد و فروخت. او پیوسته کار می کرد و می اندوخت تا کلنگی خرید. او هر روز بر اندوخته های خود می افزود تا دو شتر و غلامی خرید و توانگر شد و حال او نیکو گشت. روزی خدمت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله آمد و گزارش داد که چگونه برای درخواست آمده بود و از پیامبر چه شنید. حضرت فرمود: من که گفتم: «هر کس از ما چیزی درخواست کند، به او عطا کنیم و هر کس بی نیازی جوید، خداوند بی نیازش کند».(۱)

عزت و کرامت انسان چنان ارزشمند است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

إِسْتَعْنُوا عَنِ النَّاسِ وَلَوْ بِشَوْصِ السَّوَاكِ.(۲)

ص: ۱۷

۱- مشکاه الانوار، صص ۱۸۴ و ۱۸۵.

۲- من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۷۱.

از مردم بی نیاز باشید، هر چند با ترکِ خواستنِ چوبِ مسواک.

پیامبر کرامت و عزت در همین باره برای پرهیز از درخواست کردن می فرماید:

لَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِي الْمَسْأَلَةِ مَا هَشَى أَحَدٌ يَسْأَلُهُ شَيْئًا. (۱)

اگر مردم می دانستند در درخواست کردن چه (زشتی ها و آبروریزی هایی) نهفته است، هرگز کسی از کسی چیزی درخواست نمی کرد.

پیامبران، الگوی مناعت طبع و بی نیازی از مردم بودند و می کوشیدند تا دیگران را به نیازمندی همراه با عزت دعوت کنند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در یکی از سفارش های خود به ابوذر غفاری رحمه الله می فرماید:

يَا أَبَا ذَرٍّ إِيَّاكَ وَالسُّؤَالَ فَإِنَّهُ ذُلٌّ حَاضِرٌ وَفَقْرٌ تَتَعَجَّلُهُ وَفِيهِ حِسَابٌ طَوِيلٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۲)

ای ابوذر! از درخواست کردن (اظهار نیاز و نداری) پرهیز؛ چون این کار، ذلت نقد است و فقری است که خود به استقبال آن رفته ای و این کار در روز قیامت، حساب طولانی خواهد داشت.

حضرت علی علیه السلام نیز می فرماید:

این سخن پیامبر را بپذیرید که فرمود: هر کس در درخواست بر خود بگشاید، خداوند در نیاز بر او باز کند. (۳)

ص: ۱۸

۱- الجامع الصغير، ج ۲، ص ۴۳۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۰۸.

۳- کافی، ج ۴، ص ۱۹.

فرصت همانند ابر است و به سرعت می گذرد و بازگشتی ندارد. هنر مردان خردمند در بهره برداری از وقت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا. (۱)

در ایام زندگی تان نسیم های رحمتی می وزد. مراقب باشید خود را در معرض آنها قرار دهید.

ایشان در سخنی دیگر در بهره برداری نیکو از فرصت ها می فرماید:

مَنْ فُتِحَ لَهُ بَابٌ مِنَ الْخَيْرِ فَلْيَنْتَهِزْهُ فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي مَتَى يُغْلَقُ عَنْهُ. (۲)

هر کس که برای او دری از خیر گشوده شد، آن را غنیمت شمارد؛ چون او نمی داند چه زمانی آن را بر او می بندد.

به راستی که زندگی کوتاه است و فرصت ها زودگذر و تنها سرمایه گران بهای آدمی برای دست یابی به کمال و خودسازی، بهره برداری درست از وقت است. اگر آن را قدر نداند و در راه خدمت به هم نوعان و رضایت خداوند به کار نگیرد، جز حسرت و پشیمانی چیزی برای او به همراه ندارد.

ص: ۱۹

۱- بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۲۲۱.

۲- متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۷۹۱.

حضرت رسول می فرماید:

إِغْتَنِمَ خُمْسًا قَبْلَ خُمْسِ شَبَابِكَ قَبْلَ هَرَمِكَ وَ صِحَّةَكَ قَبْلَ سُقْمِكَ وَ فِرَاعَكَ قَبْلَ شُغْلِكَ وَ حَيَاتَكَ قَبْلَ مَوْتِكَ وَ غِنَاكَ قَبْلَ فَقْرِكَ. (۱)

پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت شمار: جوانی را پیش از پیری؛ سلامتی را پیش از بیماری؛ فراغت را پیش از سرگرم شدن؛ زنده بودن را پیش از مرگ و بی نیازی را پیش از فقر و نداری.

یکی از مصداق های برجسته وقت شناسی و ارزشمند شمردن آن، تنظیم کارها است. رسول گرامی اسلام، اوقات خود را به سه بخش تقسیم کرده بود: بخشی برای خدا که در این بخش به عبادت و نماز و نیایش و تهجد می پرداخت. بخشی برای خانواده و گفت و گو و انس گرفتن با آنان و تأمین نیازهای روحی و عاطفی آنان و بخش دیگر را برای رسیدگی به امور مردم گذاشته بود. (۲)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

كُنْ عَلَى عُمْرِكَ أَشْحَ مِنْكَ عَلَى دِرْهِمِكَ وَ دِينَارِكَ. (۳)

بر عمر خود، بخیل تر از درهم و دینارت باش.

ص: ۲۰

۱- مشکاه الانوار، ص ۲۹۸.

۲- مکارم اخلاق، ص ۱۳.

۳- همان، ص ۴۶۰.

غیرت؛ یعنی احساس مسئولیت در برابر حفظ ناموس از لغزش‌ها و پرتگاه‌های خلاف عفت و نگهبانی از حریم عفت همسران، خواهران و دختران و دیگر افراد خانواده و در یک نگاه گسترده، غیرت نسبت به خواهران دینی. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

كَانَ أَبِي إِبْرَاهِيمَ غَيُورًا وَأَنَا أَعْيُرُ مِنْهُ وَأَرْغَمُ اللَّهُ أُنْفَ مَنْ لَا يَغَارُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. (۱)

پدرم ابراهیم خلیل علیه السلام بسیار غیرتمند بود و من از او غیرتمندتر هستم و خداوند بینی مؤمنانی را که بی غیرت هستند، به خاک بمالد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در سخنی دیگر می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَيَبْغِضُ الرَّجُلَ يَدْخُلُ عَلَيْهِ فِي بَيْتِهِ فَلَا يُقَاتِلُ؛

همانا خداوند مبغوض دارد آن مردی را که بیگانه‌ای (برای هتک ناموس) وارد خانه او می‌شود، ولی با آن بیگانه نمی‌جنگد».

در همین زمینه آمده است حکم بن ابی العاص، پدر مروان و عموی عثمان

روزی وارد خانه پیامبر شد. پیامبر که متوجه چشم‌چرانی او گشته بود،

حربه‌ای به دست گرفت و از حجره بیرون آمد و حکم را دنبال کرد تا

دستگیرش کند و به مجازات برساند. حکم گریخت. پیامبر دستور داد: «او و

ص: ۲۱

فرزندش را از شهر بیرون کنید و آن گاه آن دو را به طایف تبعید کردند».

رسول گرامی اسلام می فرماید: «إِنَّ الْعَيْرَةَ مِنَ الْإِيمَانِ؛ به راستی که غیرت جزو

ایمان است.» نیز می فرمود: «إِنَّ مُوسَى كَانَ عَيْرًا؛ همانا موسی علیه السلام بسیار غیرتمند

بود.» ایشان در سفارشی همگانی می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّخَذُوا السَّرَاوِيلَ

فَإِنَّهَا مِنْ أَشْتَرِ ثِيَابِكُمْ وَ حَصَّنُوا بِهَا نِسَائِكُمْ إِذَا خَرَجْنَ؛ ای مردم! شلوارهای (پوشاننده

پاها) بگیرید که پوشاننده ترین لباس شما است و به وسیله آنها عفت زن های

خود را هنگام بیرون آمدن از خانه حفظ کنید».

رسول خدا صلی الله علیه و آله سوگند یاد کرد که چند نفر وارد بهشت نمی گردند. از

جمله فرمود: «کسی است که غیرت نمی ورزد، وارد بهشت نمی شود.» از سوی دیگر

فرمود: «همانا بوی خوش بهشت از فاصله مسیر پانصد سال به مشام می رسد، ولی به مشام

عاق والدین و بی غیرت نمی رسد».

در روایات، شخص بی غیرت به شدت نکوهش شده است؛ زیرا

بی اعتنایی او سبب رها شدن زن و دختر و خواهر او و گسترش فحشا و

منکرات و انحراف های جنسی می شود.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله با همسران خود با عطف و عدالت رفتار می کرد. (۱) در مورد زنان نهایت رفق و مدارا را به کار می برد و تندخویی و بدزبانی همسران خود را تحمل می کرد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در لحظه های آخر حیاتش نیز مدارا با زنان و رعایت مقتضیات فطرت آنان را یادآور شد. در مقام توضیح و تمثیل فرمود:

زن به استخوان خمیده دنده ها می ماند و در همان وضعی که هست، سودمند است و اگر بخواهند آن را راست کنند، می شکنند و ضایع می شود. (۲)

ایشان با تأکید بر حسن معاشرت با زنان می فرمود:

همه مردمان دارای خصلت های نیک و بد هستند و مرد نباید تنها جنبه های ناپسند را در نظر بگیرد و همسر خود را ترک کند؛ چون هرگاه از یک خصلت او ناراضی می شود، خُلق دیگرش مایه خشنودی اوست و این دو را باید روی هم به شمار آورد. (۳)

ص: ۲۳

۱- صحیح بخاری، ج ۴، ص ۳۴.

۲- همان، ج ۷، ص ۲۶.

۳- صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۷۸.

آن حضرت، کسانی را که از تلاش برای آسایش خانواده خودشان کوتاهی می کنند، لعن و نفرین می کرد و می فرمود:

از رحمت خدا دور باد کسی که خانواده خود را ضایع کند و آنها را به حال خود واگذارد. (۱)

رسول الله صلی الله علیه و آله به مردان سفارش می کرد:

کسی که همسری گرفته است، باید او را گرامی بدارد. (۲) اگر مرد به زنش بگوید «تو را دوست دارم»، هرگز از دل زن بیرون نمی رود. (۳)

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، محبت به زنان و چشم پوشی از اشتباه های آنها را مستحب می شمرد (۴) و می فرمود:

بهترین شما کسانی هستند که برای زنان خود بهترین باشند و من از همه شما برای خانواده ام بهترم. (۵)

ص: ۲۴

۱- گوشه ای از اخلاق محمد صلی الله علیه و آله، ص ۱۷؛ برگرفته از: وسائل الشیعه، باب العفوعن الزوجه.

۲- سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۲۱۴.

۳- اصول کافی، ج ۵، ص ۵۶۹.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۱.

۵- من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۳.

رسول الله صلی الله علیه و آله به مردان می فرمود: «خدمت شما به همسرانتان صدقه به شمار می آید.»^(۱) ایشان در کلامی به حضرت علی علیه السلامی فرماید:

ای علی! از من بشنو و من جز آنچه خدایم فرمان داده است، نمی گویم. هر مردی که همسرش را در (کار) خانه کمک کند، به تعداد موهای اندامش، یک سال عبادت برایش به شمار می آورند؛ سالی که روزهایش روزه بوده و شب هایش را به پاخاسته باشد. ای علی! کسی که در خدمت خانواده اش در خانه باشد و خودخواهی نرزد، آفریدگار، نامش را در دیوان شهیدان می نگارد و برای هر قدمش، یک حج و یک عمره پاداش می دهد.

ای علی! ساعتی را در خدمت همسر بودن، برتر از هزار سال پرستش و هزار حج و هزار عمره و آزاد کردن هزار برده و شرکت در هزار جهاد و عیادت هزار بیمار و حضور در هزار نماز جمعه و شرکت در هزار تشییع جنازه و سیر کردن هزار گرسنه و آزاد کردن هزار اسیر است. چنین کسی چشم از جهان فرونخواهد بست، جز آنکه جایگاهش را در بهشت خواهد دید. ای علی! خدمت به همسر، کفاره گناهان بزرگ است و خشم پروردگار را فرو می نشاند.^(۲)

در سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله، کار مرد در خانه با ارزش تلقی شده است و خود ایشان در خانه به همسرانش کمک می کرد.^(۳)

ص: ۲۵

۱- کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۰۸.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۲؛ برگرفته از: هم نام گل های بهاری، ص ۲۰۱.

۳- معارف و معاریف، ج ۴، ص ۱۸۳۱.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خانه، لباس خود را می دوخت، در را باز می کرد و گوسفند و شتر را می دوشید. هرگاه خدمت کارش خسته می شد، گندم یا جو دستاس می کرد. گوشت را قطعه قطعه می کرد و در گرفتاری های خانواده اش به آنان یاری می رساند. به هنگام خواب، آب وضوی خود را آماده می ساخت. (۱) پیامبر اسلام درباره احترام به زنان می فرمود:

أَلَا خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِنِسَائِهِ (لِأَهْلِهِ) وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِنِسَائِي (لِأَهْلِي). (۲)

آگاه باشید که بهترین شما کسانی هستند که با زن های خود مهربان تر باشند و من از این نظر بهترین شمایم.

ص: ۲۶

۱- سنن النبی، ص ۷۳.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۲.

عفو و گذشت (۱)

انسان ها کم و بیش اهل لغزشند و بهترین شان کسانی هستند که از اشتباه های دیگران چشم پوشند و عیب های همدیگر را بزرگ جلوه ندهند که این خود، به خوشی ها و زیبایی زندگی می افزاید. این صفت نیکو، در زندگی زناشویی اهمیت ویژه ای می یابد؛ زیرا زن و شوهر در کنار هم زندگی می کنند و در صورت چشم پوشیدن از لغزش های طرف مقابل، وجودشان برای همدیگر تحمل ناپذیر خواهد بود.

زن و شوهر باید رضایت همدیگر را جلب کنند و از انجام دادن کارهایی که کدورت و ناراحتی به دنبال دارد، پرهیزند. البته ناممکن است که زن و شوهر به طور کامل بدون خدا و لغزش باشند. بنابراین، در این گونه موارد باید از خداهای یکدیگر در گذرند تا زندگی به کام آنها گوارا و شیرین شود؛ زیرا چنانچه در این باره سخت گیری کنند و از اشتباه هم چشم پوشند، زندگی یا به کام آنان تلخ می شود یا آن را از دست می دهند. بیشترین سفارش اسلام در مورد مسائل خانوادگی نیز گذشت و چشم پوشی زن و شوهر از کج خلقی ها و اشتباه های یکدیگر است.

ص: ۲۷

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز می فرمود: «زن بد، عذر شوهرش را نمی پذیرد خدا اهایش را نمی بخشد».^(۱)

هرگاه اختلافی میان همسران پدید آید، شایسته است هر کدام چند لحظه با خود خلوت کنند و از خود پرسند: آیا اشتباه از من نبود؟ و وقتی به پاسخ مثبت رسیدند، با کمال شهامت، از همسر خود عذرخواهی کنند و بدانند با این کار، هرگز کوچک نخواهند شد؛ چون به دستور خدا عمل می کنند. طرف مقابل نیز باید بدون منت گذاری، پذیرای پوزش او باشد تا بدین ترتیب، صفا و صمیمیت بر خانه حکم فرما و نشاط و شادابی آن حفظ شود.

نشان دادن علاقه

بنای خانواده بر پایه محبت استوار است. با مهر و دوستی، بسیاری از کاستی ها جبران می شود و بدون آن، بسیاری از خصلت های پسندیده دیگر درک نمی شود. در زندگی زناشویی، الفت و مهربانی، دل ها را به هم نزدیک می سازد و امید و اطمینان را در وجود همسر می نشاند. محبت زن و شوهر نسبت به یکدیگر می تواند به وسیله زبان یا با روش های مختلف در عمل و در موقعیت های گوناگون بیان شود. اظهار دوستی نیز باید با بیان کلماتی صریح و عاشقانه شکل بگیرد تا روح غبار گرفته در مسیر زندگی به پاکی بدل شود و نشاط و شادابی در رگ های زندگی جریان یابد.

محبت، امری قلبی است، ولی تا در قالب رفتارها و واکنش های متقابل نمود

ص: ۲۸

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۵.

نیاید، کسی از آن آگاه نمی شود. برخی با این فکر که من همسر را دوست دارم و خدا نیز می داند، پس چه نیازی است او را از این علاقه آگاه کنم، از محبت کردن به همسر خود غافل می شوند، در حالی که بنا بر روایت امامان معصوم علیهم السلام، دوست داشتن تنها کافی نیست، بلکه باید همسر را از میزان عشق و مهربانی خود باخبر سازیم.

از رسول گرامی اسلام روایت است: «هر چه ایمان انسان کامل تر باشد، به همسرش بیشتر اظهار محبت می کند»^(۱).

پرهیز از چشم و هم چشمی

یکی از موضوع های مهمی که از آغاز زندگی مشترک می تواند بنیان خانواده را برهم زند، توقع های نامحدود و حاکم شدن روح تجمل گرایی و رقابت مادی است.

زنان خانه دار اگر مدیریت امور خانه را بر محور قناعت و پرهیز از خرج های بیهوده و تشریفاتی تنظیم نکنند و از شوهر خود انتظارهای بی جا و خارج از توان مالی او داشته باشند، باید در انتظار رخ دادن تنش باشند؛ زیرا یا همسرشان به خواسته های افزون طلبانه آنان بی توجهی می کند که این کار به بگومگو و درگیری می انجامد یا به دنبال برآوردن خواسته های بی حساب آنان می رود. در صورت دوم، افزون بر آنکه باید بسیاری از گرفتاری ها را

ص: ۲۹

۱- همان، ص ۲۲۸.

تحمل کند، امکان دارد زندگی شان به حرام نیز آلوده شود.

بی شک اگر بانوی خانه این عادت زشت اخلاقی را کنار بگذارد، احساس رضایت و بی نیازی خواهد کرد و محیطی سرشار از صفا و صمیمیت ایجاد می شود و خود و همسرش از آن لذت می برند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

هر زنی که با شوهرش سازگار نباشد و او را به چیزهایی وادار کند که بیش از توانایی اوست، اعمالش به درگاه خدا پذیرفته نمی شود و در قیامت به غضب پروردگار جهان گرفتار می آید. [\(۱\)](#)

ص: ۳۰

۱- همان، ص ۲۴۴.

مقام مادر نزد رسول الله صلی الله علیه و آله از اهمیت خاصی برخوردار بود. ایشان هم خود به والدین سببی و نسبی احترام می نهاد و هم دیگران را به این کار تشویق می کرد. روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله به بالین جوانی رفت که در حال جان دادن بود، ولی جان دادن بر او بسیار سخت و دشوار می نمود. حضرت او را صدا زد. پاسخ داد. پیامبر فرمود: «چه می بینی؟» عرض کرد: دو نفر سیاه چهره را می بینم که روبه روی من ایستاده اند و از آنها می ترسم. آن جناب پرسید: آیا این جوان مادر دارد؟ مادرش آمد و عرض کرد: بلی یا رسول الله! من مادر او هستم. حضرت پرسید: آیا از او راضی هستی؟ عرض کرد: راضی نبودم، ولی اکنون به واسطه شما راضی شدم. آن گاه جوان بی هوش شد. وقتی به هوش آمد، باز حضرت او را صدا زد. پاسخ داد. فرمود: چه می بینی؟ عرض کرد: آن دو سیاه چهره رفتند و اکنون دو نفر سفیدرو و نورانی آمدند که از دیدن آنها من خشنود می شوم. سپس از دنیا رفت. (۱)

کسانی که به مادر خود خدمت می کردند، نزد پیامبر خدا ارزش والایی داشتند. داستان اویس قرنی در این میان جذابیت ویژه ای دارد. گویند اویس شتربانی می کرد و از مزد آن، مخارج خود و مادرش را تأمین می کرد. یک

ص: ۳۱

روز از مادر اجازه خواست که برای زیارت پیامبر به مدینه رود. مادرش گفت: اجازه می‌دهم به شرط آنکه بیش از نصف روز در مدینه توقف نکنی. او ایس حرکت کرد. وقتی به خانه حضرت رسید، پیامبر نبود. به ناچار او ایس پس از یکی دو ساعت توقف، بدون دیدن پیامبر به یمن بازگشت. چون حضرت به خانه برگشت، پرسید: این نور کیست که در این خانه تابیده است؟ گفتند: شتربانی که او ایس نام داشت، به اینجا آمد. هرچه منتظر ماند، شما نیامدید و بازگشت. پیامبر فرمود: آری، او ایس در خانه ما این نور را به هدیه گذاشت و رفت. آن گاه درباره او فرمود:

تَفُوحُ رَوَائِحِ الْجَنَّةِ مِنْ قَبْلِ قَرْنٍ وَ شَوْقَاهُ إِلَيْكَ يَا أُوَيْسَ الْقَرْنِيِّ. (۱)

نسیم بهشت از جانب یمن و قرن می‌وزد. چه بسیار مشتاقم به دیدارت، ای او ایس قرنی!

همچنین آورده اند که مردی مادر سالخورده اش را به دوش گرفته بود و او را در اطراف کعبه، طواف می‌داد. هنگام طواف، پیامبر را دید. از آن حضرت پرسید: آیا حق مادرم را ادا کردم؟ پیامبر فرمود: نه، حتی یک نفس او را جبران نکرده ای. (۲)

پیامبر همواره خاطره رحلت مادر مهربان را با خود داشت، به گونه ای که پس از گذشت پنجاه و پنج سال، در سفر عمره القضاء همین که گذارش به مزار

ص: ۳۲

۱- بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۱۵۵.

۲- تفسیر فی ظلال القرآن، ج ۷، ص ۴۱۵.

مادر افتاد، چنان اشک از دیدگانش فروریخت که همه حاضران را به گریه انداخت. ایشان می فرمود: «مهر و محبت مادرم را به خاطر آوردم».^(۱)

ص: ۳۳

۱- همان، ص ۱۲۵.

۱۳. تربیت دینی فرزندان ۱

۱۳. تربیت دینی فرزندان (۱)

مسئولیت پدر و مادر در تربیت دینی فرزندان، از هنگام انتخاب همسر، آغاز و در زمان انعقاد نطفه و سپس دوران بارداری سنگین تر می شود. نگاهی گذرا به دستوره‌های اسلام در این باره، اهمیت نهاد خانواده را در این مکتب نشان می دهد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برای داشتن فرزند خوب، ابتدا بر گزینش همسر شایسته تأکید دارد. ایشان می فرمود:

أَنْظُرُ فِي أَيِّ شَيْءٍ تَضَعُ وَلَدَكَ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ. (۲)

بین نطفه خود را در چه محلی قرار می دهی؛ زیرا رگ و ریشه خانوادگی بر فرزندان اثر می گذارد.

هر چند تربیت، خود، واژه ای عالی است که همه کردارها و فعالیت های والدین را در تمامی زمینه ها شامل می شود، منظور ما در اینجا آراستن فرزند به آداب اسلامی است. این مهم، از پیش از انعقاد نطفه آغاز می شود و در دوران بارداری، زمان تولد و دوران کودکی و دوره های پس از آن ادامه می یابد. این مسئولیت به اندازه ای با اهمیت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

لَأَنْ يُؤَدَّبَ أَحَدُكُمْ وَلَدَهُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَتَّصِدَّقَ بِنِصْفِ صَاعٍ كُلِّ يَوْمٍ. (۳)

اگر هر یک از شما به تربیت فرزند خود بپردازد، برای او نیکوتر از آن

ص: ۳۴

۱- مجله طوبی، ش ۴، صص ۱۵۱ _ ۱۵۵ با تلخیص.

۲- شیخ عباس قمی، تتمه المنتهی، ص ۱۲.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۶.

است که هر روز نیمی از درآمد خود را در راه خدا صدقه بدهد.

همچنین ایوب بن موسی از پیامبر خدا روایت می کند: «ما نَحَلَ وَالِدٌ وَلَدًا نَحْلًا أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ حَسَنٍ؛ هیچ هدیه ای از طرف پدر به فرزند، بهتر از حُسن ادب و تربیت نیکو نیست»^(۱).

والدین با تربیت صحیح، بهترین میراث را برای فرزندان خود بر جای می گذارند؛ زیرا بنا به فرمایش پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله: «ما وَرَّثَ وَالِدٌ وَلَدَهُ أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ؛ هیچ میراثی از ادب و تربیت صحیح برای فرزند بهتر نیست»^(۲).

معمولاً بر نوزاد نامی نهاده می شود که تا پایان عمر بدان خوانده می شود. نام های زیبا و با معنا و محتوای اسلامی، نشان دهنده شخصیت خانوادگی هر فرد است. بنابراین، پدر و مادر باید بر این مسئولیت خویش آگاه باشند و برای فرزندان خود نام های نیک انتخاب کنند. ابن عباس از پیامبر خدا نقل می کند که فرمود: «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ يُحَسِّنَ أَدَبَهُ؛ حق فرزند بر پدر آن است که نام خوبی بر او بگذارد و به بهترین شکل تربیتش کند»^(۳).

امیرالمؤمنین علی علیه السلام از رسول گرامی اسلام روایت می کند: «اولین هدیه ای که هر یک از شما به فرزندش می بخشد، نام خوب است. پس، بهترین نام را برای فرزند خود انتخاب کنید»^(۴).

ص: ۳۵

۱- همان، ص ۱۶۴.

۲- کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۶۰.

۳- کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۷۷.

۴- شیخ حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۲.

در اخبار اسلامی آمده است روزی مردی درحالی که دست فرزندش را گرفته بود، به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و پرسید: این فرزند من چه حقی بر من دارد؟ حضرت فرمود: «نام خوبی برایش برگزینی و خوب تربیتش کنی و او را در جایگاهی نیکو قرار دهی»^(۱).

مسئولیت دیگر والدین، سوادآموزی به فرزندان است. تلاش در ایجاد انگیزه برای آموختن، ویژگی ارزشمند و برجسته یک خانواده فرهنگی و رشدیافته است و این علاقه را باید والدین در فرزندان خود به وجود آورند.

در روایتی زیبا از پیامبر اکرم نیز آمده است:

از حقوقی که فرزند بر پدر دارد، سه چیز است: نام نیکی برای او انتخاب کند، خواندن و نوشتن یادش دهد و چون به سن بلوغ برسد، همسری برایش برگزیند.^(۲) و^(۳)

پیامبر گرامی اسلام چون صبح می شد، بر سر فرزندان و نوه هایش دست (مهر) می کشید. بوی فرزند را از بوهای بهشت می دانست و می فرمود: «فرزندانتان را زیاد ببوسید.» روزی یکی از فرزندان را روی زانوی خود نشانده بود و می بوسید و به او محبت می کرد. در این هنگام، مردی از اشراف خدمت حضرت رسید و با دیدن این صحنه به حضرت عرض کرد: من ده

ص: ۳۶

۱- همان، صص ۱۲۳ و ۱۲۴.

۲- همان، ص ۲۱۰.

۳- از ابتدای مطالب مربوط به تربیت دینی فرزندان، انتخاب نام نیک و سوادآموزی تا این قسمت برگرفته از نشریه طوبی است.

پسر دارم و تا به حال هیچ کدامشان را برای یک بار نبوسیده ام. پیامبر از این سخن چنان عصبانی شد که رنگ صورتش برافروخته و سرخ شد. آن گاه فرمود: «کسی که به دیگران رحم نکند، خدا نیز به او رحم نخواهد کرد».^(۱)

آن حضرت می فرمود: «کودکان، گل های خوش بوی خداوندند.» به همین دلیل، آنها را در دامن خویش می نشانید و می بوسید. بسیار دیده می شد که بر دهانشان بوسه می زد و می فرمود:

فرزندانتان را بسیار ببوسید. برای هر بوسه تان در بهشت، مقامی است. حتی فرشتگانی می آیند و مرتبه هایی برایتان به تعداد بوسه هایتان می نویسند.

همچنین می فرمود:

دادن هدیه باید از دختران آغاز شود، همانا پروردگار والامرتبه با دختران و زنان مهربان است و کسی که با آنان مهربان تر باشد، بسان کسی است که از بیم خداوند والامرتبه گریسته است.^(۲) کسی که دختری داشته باشد و او را نیازارد و تحقیر نکند و پسرانش را بر او برتری ندهد، خداوند او را وارد بهشت می کند.^(۳) آن کس که سه دختر داشته باشد و آنان را تربیت کند و شوهر دهد و با آنان به نیکی رفتار کند، پاداش وی بهشت است.^(۴)

پیامبر اسلام به والدین سفارش می کرد:

ص: ۳۷

۱- همانم گل های بهاری، صص ۲۱۲ و ۲۱۳.

۲- بحارالانوار، ج ۹، ص ۲۱۲.

۳- همان، ص ۳۲۱.

۴- جامع الصغیر، ج ۲، ص ۶۲۲.

با فرزندانان به عدالت رفتار کنید، همان گونه که دوست دارید با شما به نیکی و مهربانی و عدالت رفتار شود. (۱)

روزی مردی را دید که یکی از دو فرزندش را می بوسد و دیگری را نمی بوسد. فرمود: «چرا با آنها به عدالت رفتار نمی کنی؟» (۲)

تبعیض میان فرزندان، در روحیه فرزندان آثار نامطلوبی به جا می نهد. والدین نباید به یکی از فرزندان محبت فراوان نشان دهند، ولی با دیگری، سرد و عادی برخورد کنند. این گونه برخوردها، بذر حسادت و دشمنی را در فرزندان، بارور و آنان را به عقده خود کم بینی دچار می سازد. بکوشیم همیشه محبت را به مساوات میان فرزندانمان تقسیم کنیم؛ زیرا پیامبر گران قدر اسلام می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ حَتَّى فِي الْقَبْلِ. (۳)

خداوند، عدالت و برابری میان فرزندان را دوست دارد، حتی در بوسیدن هایتان.

در حدیثی می فرماید: «زمانی که به خردسالان وعده ای دادید، بدان وفا کنید؛ چون آنان شما را روزی ده خود می پندارند.» (۴)

عبدالله بن عامر می گوید: من کودک بودم که حضرت به خانه ما آمد. رفتم که بازی کنم، مادرم صدایم زد و گفت: عبدالله ، بیا تا چیزی به تو بدهم.

ص: ۳۸

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۲.

۲- همان، ج ۷۱، ص ۸۴.

۳- نهج الفصاحه، ش ۷۵۴.

۴- همان، ج ۱۰۱، ص ۷۳.

پیامبر فرمود: چه می خواهی به او بدهی؟ مادرم گفت: خرما. رسول گرامی فرمود: اگر به او نمی دادی، دروغ گو به شمار می آمدی. (۱)

ایشان می فرمود: «فردی که کودک دارد، باید با او کودکی کند.» (۲) آن حضرت نیز می فرمود: «اَكْرُمُوا اَوْلَادَكُمْ وَ اَحْسِنُوا اَدَابَهُمْ؛ به فرزندان احترام گذارید و آداب شان را نیکو کنید [آداب نیکو را به آنها بیاموزید].» (۳)

پیامبر کرامت همچنین می فرمود:

اِذَا سَمَّيْتُمُ الْوَلَدَ فَآكْرِمُوهُ وَ اَوْسِعُوا لَهُ فِي الْمَجَالِسِ وَ لَا تُقَبِّحُوا لَهُ وَجْهًا. (۴)

وقتی نام فرزندان را می برید، او را گرامی دارید و در مجالس جای نشستن را برای او باز کنید (احترامش کنید) و نسبت به او ترش رو نباشید.

رسول الله صلی الله علیه و آله می کوشید با بازی کردن و هدیه دادن به کودکان، آنان را خوشحال کند. پس در این باره سفارش می کرد:

کسی که دختر بچه خویش را خوشحال کند، مانند این است که برده ای از فرزندان اسماعیل علیه السلام را آزاد کرده باشد و کسی که پسر بچه خود را خوشحال کند، همانند این است که از خوف خدا، اشک ریخته باشد. (۵)

ص: ۳۹

۱- سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۴۷۵.

۲- کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۵۷.

۳- همان، ص ۴۵۶.

۴- جامع الاخبار، ص ۱۲۴.

۵- بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۶۹، ص ۹۴.

خود ایشان با همه عظمتی که داشت، در کوچه و بازار به کودکان سلام می کرد و می فرمود این کار را می کنم تا پس از من نیز سنت گردد. (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چون در نماز می شنید که کودکی گریه می کند، نمازش را طول نمی داد تا مادرش به او رسیدگی کند. (۲)

چون نوزاد کوچکی را برای دعا یا نام گذاری به حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می آوردند، حضرت برای احترام صاحبش، او را در دامن خود می گذارد. گاهی اتفاق می افتاد که کودکی دامن پیامبر را آلوده می کرد. کسی که این صحنه را می دید، بر سر کودک فریاد می کشید، ولی نبی اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود: با تندی، از ادراک کودک جلوگیری نکنید تا اینکه ادراکش تمام شود. هنگامی که دعا یا نام گذاری تمام می شد، والدین کودک با خوشحالی، کودک خویش را می گرفتند و آزرده گی و ملالت خاطری در پیامبر احساس نمی کردند. هنگامی که آنان می رفتند، حضرت، لباس خود را تطهیر می کرد. (۳)

نیز آورده اند که زنی با دو فرزند کوچکش بر عایشه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شد. عایشه، سه دانه خرما به زن داد. مادر به هریک از بچه هایش، یک دانه خرما داد و خرمای دیگر را نیز نصف کرد و باز به هریک از بچه ها نیمی از آن را داد. وقتی پیامبر به خانه بازگشت، عایشه جریان را برای آن

ص: ۴۰

۱- همان، ج ۳، ص ۲۰۹.

۲- علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۳.

۳- مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۵.

حضرت تعریف کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آیا از عمل آن زن تعجب کردی؟ خدا به خاطر رعایت عدالت و مساوات، آن زن را به بهشت خواهد برد. (۱)

ص: ۴۱

۱- سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۲۱۰.

۱۴. خوردن و آشامیدن

۱۴. خوردن و آشامیدن

آن حضرت به خوردن نوع خاصی از غذا مقید نبود. «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَأْكُلُ الْأَصْيْنَافَ مِنَ الطَّعَامِ؛ پیامبر خدا هر نوع غذایی را می خورد». (۱)

آن حضرت هیچ گاه از غذا بدگویی نمی کرد و آن را، نوعی ناسپاسی در برابر نعمت الهی می دانست:

مَا ذُمَّ طَعَامًا قَطُّ، كَانَ إِذَا أَعْجَبَهُ أَكَلَهُ وَإِذَا كَرِهَهُ تَرَكَهُ وَلَا يُحَرِّمُهُ عَلَى غَيْرِهِ. (۲)

هرگز از طعامی بدگویی نکرد. اگر از غذایی خوشش می آمد، می خورد و اگر دوست نداشت، نمی خورد و برای دیگران هم ممنوع نمی کرد.

ایشان ظرف غذا را با انگشتان مبارکش پاک می کرد و می فرمود: «برکت غذای آخر ظرف بیشتر است». (۳) هرگاه طعام و سفره را در مقابل حضرت می نهادند، ابتدا بسم الله می گفت؛ آن گاه چنین دعا می کرد:

اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا نِعْمَةً مَشْكُورَةً تَصِلُ بِهَا نِعْمَةُ الْجَنَّةِ. (۴)

خدایا، این را نعمتی سپاس گزاری شده قرار بده؛ نعمتی که آن را به نعمت بهشت پیوند دهی.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «آن حضرت از آغاز بعثت تا دم مرگ، هرگز در حال تکیه دادن غذا نخورد». (۵)

ص: ۴۲

۱- مکارم الاخلاق، ص ۲۶.

۲- وسایل الشیعه، ج ۲۴، ص ۴۳۵.

۳- همان.

۴- مکارم الاخلاق، ص ۱۴۳.

۵- سنن النبی، ص ۱۶۲.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در آغاز و پایان غذا خوردن و آب نوشیدن «بسم الله» و «الحمد لله» می گفت. هرگاه آب می نوشید، آب را به صورت مکیدن می نوشید، نه با یک نفس و به صورت بلعیدن و می فرمود: «درد کبد، از بلعیدن آب به یک نفس پدید می آید.»^(۱) ابن مسعود می گوید: «حضرت رسول، آب را با سه نفس می نوشید، نه یک سره و پیوسته و در هر بار «بسم الله» می گفت و در پایانش خدا را شکر می کرد.»^(۲) ابن عباس نیز روایت کرده که آن حضرت را دیده که با دو نفس آب می خورد.^(۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله گاه در ظرف های بلوری که از شام می آوردند، آب می نوشید. گاهی نیز در کاسه های چوبی یا سفالی و زمانی در مِثت های خویش آب می نوشید و می فرمود: «هیچ ظرفی به گوارایی دست نیست.» گاهی هم از دهانه مشک آب می نوشید. گاهی ایستاده، گاهی سواره و در هر ظرفی که پیش می آمد. شربت خنک را هم دوست داشت، ولی می فرمود:

سَيِّدُ الْأَشْرَبِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ الْمَاءُ. ^(۴)

آب، سرور همه نوشیدنی ها در دنیا و آخرت است.

امام حسین علیه السلام فرموده است:

ص: ۴۳

۱- همان، ص ۱۶۹.

۲- همان.

۳- همان.

۴- مکارم الاخلاق، ص ۳۱.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی غذایی می خورد، می گفت: بارخدا یا! در آن به ما برکت عطا کن و بهتر از آن را روزی ما گردان. هنگامی که شیر یا شربت می نوشید، می گفت: بارخدا یا! در آن به ما برکت عطا کن و از آن روزی ما گردان. (۱)

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برترین خوردنی اهل دنیا و آخرت، گوشت است و پس از آن، برنج. و فرمود: شربت عسل را هر کس به شما تعارف کرد، رد نکنید. فرمود: انار بخورید که هر دانه آن در معده قرار می گیرد، دل را روشن می سازد و شیطان را چهل روز بیرون می راند. و فرمود: سرکه، نان خورش نیکویی است. خانواده ای که سرکه داشته باشند، فقیر نمی شوند. و فرمود: بر شما باد به روغن زیتون که آن تلخی صفرا و سودا را می گشاید و بلغم را می برد و عصب را قوی می سازد و بیماری را برطرف می کند و اخلاق را نیکو و وجود (یا نَفَس) را پاکیزه و غم را برطرف می سازد. و فرمود: برترین خوراک دنیا و آخرت، گوشت است و برترین نوشیدنی دنیا و آخرت، آب است و من سرور فرزندان آدمم و فخر نمی کنم. (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سرکه و روغن زیتون را بیشتر از نان خورش ها دوست می داشت. یک بار بر ام سلمه وارد شد و آن بانو پاره نانی خدمت پیامبر آورد. پیامبر فرمود: خورشی داری؟ عرض کرد: نه ای رسول خدا، جز سرکه چیزی ندارم. فرمود: «سرکه، خورش خوبی است. خانه ای که در آن سرکه باشد،

ص: ۴۴

۱- عیون الاخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۹.

۲- همان، ج ۱، صص ۳۴ و ۳۶.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خربزه را با شکر و با خرما می خورد و خوردن هندوانه را نیز با خرما دوست داشت و از سبزی ها، ریحان را دوست داشت و از نگاه کردن به ترنج سبز و سیب سرخ خوشش می آمد. (۲) روزی غذایی داغ برای پیامبر آوردند. حضرت فرمود:

خداوند آتش را طعام ما نساخته است. بگذارید خنک و قابل خوردن شود که غذای داغ، بی برکت است و شیطان در آن بهره ای دارد. (۳)

گفته اند: پیامبر شامگاه پنج شنبه در مسجد قبا روزه اش را گشود و فرمود: آیا چیزی برای نوشیدن هست؟ اوس بن خولی الانصاری قدح بزرگی از شربت شیر و عسل برای ایشان آورد. پیامبر آن را چشید و از دهان دور کرد و فرمود:

این دو نوشیدنی است؛ یکی از آنها کافی است. من آن را نمی خورم و بردیگران حرام هم نمی کنم، ولی خودم برای خدا فروتنی می ورزم و هر کس برای خدا فروتنی کند، خدا او را بالا می برد و هر کس تکبر کند، خداوند او را پایین می کشد و هر کس در معاش به اقتصاد و میانه روی عمل کند، خدا به او روزی می بخشد و هر کس تبذیر و زیاده روی کند،

ص: ۴۵

۱- فروع کافی، ج ۲، ص ۱۷۲.

۲- همان، ص ۱۸۱.

۳- همان، صص ۱۷۰ و ۱۷۱.

خدا او را محروم می سازد و هر کس از مرگ بسیار یاد کند، خدا او را دوست می دارد. (۱)

ص: ۴۶

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۲.

دین اسلام، همگان را به رعایت بهداشت و سلامت جسم فرا خوانده است. پیامبر گرامی اسلام نیز که رفتارش همواره الگوی مسلمانان است، در مورد بهداشت، سیره پسندیده ای داشت. در این باره آمده است:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ لَا يَتَنَفَّسُ فِي الْإِنَاءِ إِذَا شَرِبَ فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَنَفَّسَ أَبْعَدَ الْإِنَاءَ عَنْ فِيهِ، حَتَّى يَتَنَفَّسَ. (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی آب می نوشید، در ظرف آب، نفس نمی کشید، (بازگشت نفس را در آب داخل نمی کرد) بلکه هر وقت می خواست نفس بکشد، ظرف آب را از دهان دور نگه می داشت.

ایشان در پاسخ به این پرسش که چرا مسلمانان کمتر بیمار می شوند، فرمود:

نَحْنُ قَوْمٌ لَا نَأْكُلُ حَتَّى نَجُوعَ وَإِذَا أَكَلْنَا لَا نَشْبَعُ. (۲)

ما جمعیتی هستیم که تا وقتی کاملاً گرسنه نشویم، غذا نمی خوریم و چون غذا می خوریم، خود را کاملاً سیر نمی کنیم.

ایشان به مسواک دهان و دندان بسیار توجه می کرد، به گونه ای که:

دیده نشد رسول خدا صلی الله علیه و آله قضای حاجت کند، مگر اینکه پس از آن وضو می ساخت و وضو را با

ص: ۴۷

۱- مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۳۲.

۲- سنن النبی، ص ۱۸۱.

مسواک کردن آغاز می کرد. (۱)

دندان های حضرت پیوسته براق و سفید بود. ایشان در خواص و آثار مسواک می فرمود:

السُّوَاكُ مُطَهِّرَةٌ لِلْفَمِ وَ مَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ وَ جَعَلَهَا مِنَ السُّنَنِ الْمَوْكَدَةِ. (۲)

مسواک هم پاکیزه کننده دهان است، هم موجب رضای الهی است و از سنت های مؤکدی است که خداوند قرار داده است.

رسول گرامی اسلام با گرفتن ناخن، مالیدن روغن به بدن، سرمه کشیدن، زدودن موهای زاید و کوتاه کردن شارب، مسلمانان را به اهمیت دادن به بهداشت فرا می خواند. ایشان درباره کوتاه کردن ناخن می فرماید:

مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْ أُنَامِلِهِ دَاءً وَ أَدْخَلَ فِيهَا شِفَاءً.

هر کس ناخنش را روز جمعه بگیرد، خداوند درد را از انگشتانش بیرون کند و شفا را در آن وارد سازد. (۳)

آراستگی و زیبایی ظاهری در سنت رسول الله صلی الله علیه و آله جایگاه ویژه ای داشت. ایشان همواره موهایش را شانه می زد و لباسش همیشه تمیز بود. هنگام خروج از خانه، در آینه نگاه می کرد. رنگ کفش و لباس آن حضرت نیز با هم متناسب بود. عمامه ای که بر سر می نهاد، به قامتش برازندگی ویژه ای می داد و

ص: ۴۸

۱- محجه البيضاء، ج ۱، ص ۲۹۶.

۲- محدث قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۷۴.

۳- مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۱۲۳.

بر جذبه و ابهتش می افزود. ایشان می فرمود: إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ. (۱)

همانا خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد.

محمد بن جریر طبری در این باره می نویسد:

عادت رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود که به آینه نگاه می کرد و موی سرش را صاف می کرد و شانه می زد و چه بسا در برابر آب، موی سر خود را منظم می کرد و خود را نه تنها برای خاندانش، بلکه برای اصحاب خویش می آراست و می فرمود: خدا دوست دارد که بنده اش وقتی برای دیدن برادران از خانه بیرون می رود، خود را آماده کند و بیاراید. (۲)

پیامبر گرامی اسلام همواره از بوی خوش استفاده می کرد، چنان که در این باره آمده است:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله يُنْفِقُ عَلَى الطَّيِّبِ أَكْثَرَ مِمَّا يُنْفِقُ عَلَى الطَّعَامِ. (۳)

رسول الله صلی الله علیه و آله برای عطر و بوی خوش، بیش از غذا پول خرج می کرد.

وارد شده است مردی ژولیده و با ریش بلند و نامنظم خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد. حضرت فرمود:

این مرد روغن پیدا نکرده است، تا موهایش را صاف و منظم کند؟ بعضی از شما نزد من می آید، درحالی که قیافه شیطان را دارید. (۴)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در جایی دیگر می فرماید:

ص: ۴۹

۱- نهج الفصاحه، ص ۱۵۹.

۲- مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۳۶.

۳- همان، ص ۶۶.

۴- محجه البيضاء، ج ۱، ص ۳۰۹.

إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْوَسْخَ وَالشَّعَثَ. (۱)

پروردگار، چرک و ژولیدگی را دشمن می دارد.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

پیامبر خدا از هیچ راهی نمی گذشت مگر آنکه هر کس پس از ساعت ها از آنجا گذر می کرد، از بوی خوشی که از ایشان مانده بود، می فهمید آن حضرت از آنجا گذشته است. هیچ نوع عطری برایش نمی آوردند، مگر آنکه از آن به خود می مالید و می فرمود: بوی عطر، مطبوع و خوب و حمل آن، آسان است. (۲)

ص: ۵۰

۱- نهج الفصاحه، ح ۷۴۱.

۲- مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۶۶.

۱۶. نرم خویی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۱۶. نرم خویی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

رسول الله صلی الله علیه و آله، مدارا و نرم خویی با دیگران را زینت آدمی می شمارد و می فرماید: «إِنَّ الرَّفْقَ لَمْ يُوضَعْ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ وَ لَا تُزَعُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانُهُ؛ نرمی با هیچ چیز همراه نشد جز اینکه آن را آراست و از هیچ چیز برداشته نشد، مگر اینکه آن را زشت ساخت.» (۱)

ایشان نرم خویی را مایه استحکام دوستی ها می داند و نرم خویان را از پاداش و ثواب بهره مند می شمارد و می فرماید:

هیچ دو نفری با هم دوستی نکنند جز اینکه پاداش آن کس که با دوستش نرم تر باشد، بیشتر و نزد خداوند عزوجل محبوب تر است.

پیامبر رحمت در سخنی دیگر فرموده است: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا أَدْخَلَ عَلَيْهِمْ بَابَ رِفْقٍ؛ هر گاه خداوند خیر خانواده ای را بخواهد، در نرمی را به روی آنان می گشاید.» (۲) همچنین رسول گرامی می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ -عَزَّوَجَلَّ- رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفْقَ فِي الْأَمْرِ كُلِّهِ؛ خداوند عزوجل، مهربان است و نرمی در هر کاری را دوست دارد.» (۳) در حقیقت، بهره مندی از مدارا به فرموده پیامبر اسلام، نشان دهنده خردمندی آدمی است: «أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مُدَارَاهَ لِلنَّاسِ؛ خردمندترین مردم با مداراترین آنها با مردم است.» رسول الله از پیروانش می خواهد که با یکدیگر با ملایمت برخورد کنند و بر یکدیگر سخت نگیرند. ایشان می فرماید:

ص: ۵۱

۱- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۱۰۶.

۲- همان، ص ۲۱۰۶.

۳- همان، ص ۲۱۱۰.

همانا این دین استوار است. پس با ملائمت در آن وارد شوید و عبادت خدا را بر بندگان خدا تحمیل نکنید که در آن صورت، به سوار در مانده ای می مانید که نه راهی پیموده و نه مرکبی (با نشاط) بر جای نهاده است. (۱)

در سخنی دیگر می فرماید: «مُيَدَارَاهُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ وَ الرَّفْقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ؛ مدارا کردن با مردم نصف ایمان است و نرمی و مهربانی کردن با آنان نصف زندگی است». (۲)

امام صادق علیه السلام نقل می کند که پیامبر گرامی اسلام فرمود: «أَمَرَنِي رَبِّي بِمُيَدَارَاهِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ؛ خداوند به من، به مدارا کردن با مردم دستور داد، همان گونه که به انجام واجبات دستور داد». (۳)

امام حسین علیه السلام به نقل از پدرش درباره این صفت رسول الله صلی الله علیه و آله می فرماید: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله دَائِمَ الْبِشْرِ سَهْلَ الْخُلُقِ لَيِّنَ الْجَانِبِ لَيْسَ بَفِظٌ وَلَا غَلِيظٌ؛ پیامبر همیشه خوش رو و خوش خو و نرم خو بود و خشن و درشت خوی نبود». (۴)

خداوند متعال نیز از این صفت حضرت محمد صلی الله علیه و آله با عظمت یاد کرده است و می فرماید:

ص: ۵۲

۱- همان، ص ۲۱۱۰؛ کافی، ج ۲، ص ۸۶.

۲- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۶۳۸.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۷.

۴- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۱۸.

فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَئِن تَ لَّهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ. (آل عمران: ۱۵۹)

در پرتو رحمت الهی در برابر آنان نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگ دل بودی، از اطراف تو پراکنده می شدند. بنابراین، از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه.

ص: ۵۳

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است:

کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، همسایه اش را آزار نمی دهد. (۱)

همسایه خوب آن نیست که همسایه اش را آزار ندهد، بلکه همسایه خوب آن است که آزار همسایه را هم تحمل کند. (۲)

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

مردی از انصار خدمت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: من خانه ای در فلان محله خریده ام. نزدیک ترین همسایه ام کسی است که نه از شر او ایمنم و نه به نیکی او امیدوارم. پیامبر به علی علیه السلام و سلمان و اباذر (راوی می گوید چهارمی را فراموش کرده ام گمان می کنم مقدار باشد) دستور داد در میان مسجد با صدای بلند بگویند: «لَا إِيْمَانَ لِمَنْ لَمْ يَأْمَنْ جَارُهُ بِوَأَيْقَهُ؛ ایمان ندارد کسی که همسایه خویش را از آزار و شر خود ایمن نگرداند.» پس از آن فرمود: «اعلام کنید تا چهل خانه از چهار طرف چپ و راست، جلو و عقب، همسایه به شمار می روند.» (۳)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر آیه «وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ» (ماعون: ۴) می فرماید:

کسی که همسایه اش را از ماعون (یعنی نیازهای ضروری زندگی) منع کند، خداوند در قیامت او را از خیر خود منع می کند و او را به خودش

ص: ۵۴

۱- همان، ج ۴۳، ص ۶۲.

۲- همان، ج ۷۷، ص ۳۲۰.

۳- وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۲۵.

وامی گذارد و کسی که خدا او را به حال خود واگذار کند، در بدترین حالت خواهد بود.^(۱)

حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود:

هماره جبرئیل درباره همسایه سفارش می کرد، تا بدان جا که گمان کردم همسایه ارث می برد؛ کسی که به پروردگار و روز رستاخیز، باور دارد، همسایه اش را نیازارد.^(۲)

ایشان نیاززدن همسایه را تا بدان جا گسترش داد که فرمود: «اگر سگ همسایه ات را بزنی، همسایه ات را آزرده ای.»^(۳) در نبرد تبوک نیز فرمود: کسی که همسایه اش را می آزارد، همراه ما نیاید. به ایشان گفتند: فلان زن روزها روزه می گیرد و شب ها عبادت می کند و در راه خدا انفاق می کند، ولی همسایه اش را با زبانش می آزارد. فرمود: خیری در او نیست و از دوزخیان است. گفتند: بانوی دیگری است که تنها نمازهای واجبش را می خواند و تنها ماه مبارک رمضان روزه می گیرد، ولی همسایه اش را نمی آزارد. حضرت فرمود: او از بهشتیان است.^(۴)

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می فرمود:

حق همسایه بر آدمی این است: اگر همسایه اش از او پول طلبید، به او وام

ص: ۵۵

۱- نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۷۹.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۲۲.

۳- همان، ص ۴۲۳.

۴- همان، صص ۴۲۳ _ ۴۲۴.

دهد. اگر به همسایه اش نیکی رسید، به او تبریک بگوید. اگر به همسایه اش گزندی رسد، دلداری اش دهد، اگر میوه ای می خرد، به او هدیه دهد. اگر به رایگان چیزی نمی بخشد، پس آن را پنهانی به خانه خویش بَرَد. خانه اش را چنان بلند نسازد که مانع عبور باد و نسیم شود، مگر با اجازه او. به فرزندش چیزی ندهد که بچه های همسایه خشمگین شوند.

همسایه ها سه دسته اند: دسته اول سه حق دارد: حق مسلمان بودن؛ حق همسایگی و حق خویشاوندی. دسته دوم دو حق دارد: حق اسلامی و حق همسایگی. گروه سوم نیز همسایگان کافرند که تنها از حق همسایگی برخوردارند. (۱)

ص: ۵۶

۱- مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۲۴.

پیامبر گرامی اسلام می فرمود:

کسی که پیوند خویشاوندی را گسسته است، با ما هم نشین نمی شود؛ چون لطف خداوند بر گروهی که میان آنان قطع رحم شده است، فرود نمی آید. (۱)

به گفته جابر بن عبدالله، روزی رسول گرامی خطاب به مسلمانان فرمود:

ای مسلمانان! از خداوند پروا کنید و با خویشان پیوند برقرار سازید. همانا بوی بهشت از فاصله هزار سال راه استشمام می شود، ولی کسی که پیوند خویشی بگسلد، آن را استشمام نمی کند. (۲)

همچنین نقل است که فردی خدمت حضرت رسید و گفت: خویشاوندی دارم که با آنها رابطه دارم، ولی آنان آزارم می دهند. تصمیم گرفته ام آنان را ترک کنم. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: آن گاه خدا هم تو را ترک می کند! گفت: پس چه کنم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به کسی که محرومت کرده است، عطا کن. با کسی که از تو بریده است، رابطه برقرار کن. از کسی که بر تو ستم روا داشته، درگذر. هرگاه چنین کردی، خداوند پشتیبان تو خواهد بود. (۳)

ص: ۵۷

۱- مازندرانی، شرح اصول کافی، ج ۹، ص ۲۰۲.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۲۰۶.

۳- بحار الانوار، ج ۷، ص ۹۲.

با خویشاوندان خود می پیوست، بی آنکه آنان را بی جهت بر دیگران برتری دهد. ایشان می فرمود:

نیکوکاری و صله رحم، عمرها را طولانی؛ شهرها را آباد و دارایی را زیاد می کند، گرچه انجام دهندگان آن بدکاران باشند. کسی که به سوی خویشاوندی می رود تا با مال و جانش با او پیوند برقرار کند، آفریدگار والا، پاداش صد شهید را به وی عطا می فرماید و برای هر گامش چهل هزار پاداش می نویسد و چهل هزار گناه از وی می زداید و به همین مقدار بر درجه اش بیفزاید و گویا صد سال صبورانه خداوند را عبادت کرده است. (۱)

آورده اند هنگامی که خواهر رضاعی پیامبر، شیماء را میان اسیران هوازن خدمت پیامبر آوردند و آن حضرت او را شناخت، ردای خویش را گسترده و به او فرمود: اگر دوست داری نزد ما باش. ما تو را محترم می داریم و محبت خواهیم کرد و اگر بخواهی نزد قوم خود بازگردی، تو را به سوی آنان بازمی گردانیم. شیماء خواست که نزد قوم خویش بازگردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز او را با هدایایی به سوی قومش روانه کرد. (۲)

در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسیده شد: برترین مردم کیست؟ حضرت فرمود: «کسی که بیشتر از دیگران از خدا بترسد، و پیوند خویشاوندی را به جا آورد و بیشتر امر به معروف و نهی از منکر کند. (۳)

ص: ۵۸

۱- همان، ج ۷۱، ص ۸۹.

۲- سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۱۷.

۳- محجه البیضاء، ج ۳، ص ۴۲۸.

میهمان دوستی و میهمان نوازی از ویژگی های سخاوتمندان است. این کار در سیره رسول گرامی اسلام بسیار دیده می شود.

اگر مسلمانی به میهمانی پیامبر دعوت می شد، همراه آنان، نشسته بر زمین و بر روی هر چه که دیگران طعام می خوردند، غذا می خورد. اگر میهمان داشت ترجیح می داد با میهمانش غذا بخورد. محبوب ترین غذا و سفره در نظر پیامبر، غذایی بود که شرکت کنندگان بیشتری بر سر طعام باشند. (۱)

در سفره های جمعی، رسول خدا صلی الله علیه و آله، زودتر از همه دست به غذا می برد و دیرتر از همه دست از غذا می کشید تا دیگران بدون خجالت کشیدن، غذا بخورند. (۲) می فرمود، هر کس از جلوی خودش غذا بخورد. آن حضرت غذا خوردن به تنهایی را دوست نداشت و تنها غذا نمی خورد. (۳)

هرگاه با جمعی به میهمانی می رفت، اگر کسی که دعوت نبود، با او و یارانش همراه می شد، نزدیک خانه میزبان که می رسیدند، می فرمود: تو را که

ص: ۵۹

۱- سنن النبی، ص ۱۶۶.

۲- محاسن، ص ۴۴۸.

۳- سنن النبی، ص ۱۷۷.

دعوت نکرده اند، همین جا باش تا برای تو هم از میزبان، اجازه بگیریم. (۱) هر گاه میهمان به خانه وی می آمد، با میهمان غذا می خورد و از سفره دست نمی کشید تا آنکه میهمان از طعام دست بکشد. (۲)

سلمان فارسی می گوید: بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدم و دیدم آن بزرگوار به پشتی تکیه داده است. آن پشتی را برای من گذاشت و فرمود: ای سلمان هر مسلمانی که برادر مسلمانش بر او وارد شود و جهت احترام و بزرگداشت برای او پشتی بگذارد، خداوند او را می آمرزد. (۳)

معاذ بن جبل می گوید: روزی میهمانی بر من وارد شد و من چیزی در خانه نداشتم، مگر مقداری نان خشک و آب گوشت که با خجالت آنها را نزد او گذاشتم. بعدها از پیامبر پرسیدم: آیا این کار اجری هم داشته است؟ حضرت فرمود: «اگر تمام فرشتگان آسمان ها جمع شوند، قادر نخواهد بود که ثواب این اطعام و اکرام را ذکر کنند». (۴)

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است:

هنگام ملاقات و اولین برخورد، سلام کنید و مصافحه کنید (یعنی به هم

ص: ۶۰

۱- مکارم الاخلاق، ص ۲۲.

۲- سنن النبی، ص ۶۷.

۳- مکارم الاخلاق، ص ۲۰.

۴- بحر المحبه، ص ۱۱۸؛ برگرفته از: سیدمهدی شمس الدین، اخلاق اسلامی در برخوردهای اجتماعی، ص ۹۷.

دست دهید) تا گناهانتان ریخته شود. (۱)

بنابراین، پیشوازی از میهمان و مصافحه کردن با او از وظایف میزبان است.

باز از آن حضرت روایت است:

کسی که میهمان خود را غذا بدهد، خداوند از طعام ها و میوه های بهشتی به او می خوراند. (۲)

رسول گرامی صلی الله علیه و آله اسلام در اهمیت دعوت از مهمان می فرماید: «كُلُّ بَيْتٍ لَا يَدْخُلُ فِيهِ الضَّيْفُ لَا تَدْخُلُهُ الْمَلَائِكَةُ؛ خانه ای که مهمان به آن وارد نشود، فرشتگان واردش نمی شوند.» (۳) همچنین فرمودند: «الضَّيْفُ دَلِيلُ الْجَنَّةِ؛ (۴) مهمان راهنمای بهشت است.» رسول الله مهمانان را مایه برکت می شمارند و می فرمایند: «الْبَرَكَهَ أُسْرِعُ إِلَى مَنْ يُطْعِمُ الطَّعَامَ مِنَ السَّكِينِ فِي السَّنَامِ.» (۵) آن کس که غذا می دهد، برکت به سوی او سریع تر از برندگی کارد در کوهان شتر به او می رسد. «چنانکه فرمودند: «الضَّيْفُ يَأْتِي الْقَوْمَ بِرِزْقِهِ فَإِذَا إِرْتَحَلَ إِرْتَحَلَ بِجَمِيعِ ذُنُوبِهِمْ؛ (۶) مهمان روزی خود را همراه خود می آورد و وقتی از خانه میزبان بیرون رود، همه گناهان اهل خانه میزبان را با خود می برد و بیرون می ریزد.» همچنین پیامبر فرمودند:

ص: ۶۱

۱- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۵۳.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۴.

۳- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۲۷۲.

۴- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۴۶۰.

۵- همان.

۶- همان، ص ۴۶۰.

هر گاه خداوند خیر و سعادت قومی را خواست، هدیه ای را به آن قوم اهدا کند. حاضران پرسیدند آن هدیه چیست؟ پیامبر فرمود: «الضَّيْفُ يَنْزِلُ بِرِزْقِهِ وَ يَزْتَجِلُ بِعَذُوبِ أَهْلِ الْبَيْتِ؛ (۱) آن هدیه مهمان است که همراه روزی خود وارد می گردد و با گناهان اهل خانه میزبان بیرون می رود.» پیامبر در کلامی دیگر می فرماید: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ؛ (۲) هر که به خدا و روز واپسین ایمان دارد، باید میهمانش را گرامی دارد.»

از سوی دیگر اجابت دعوت مؤمن برای مهمانی از نظر اسلام، ارزش والایی دارد و موجب پاداش خواهد بود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «أَوْصِيَ الشَّاهِدَ مِنْ أُمَّتِي وَالْغَائِبَ أَنْ يُجِيبَ دَعْوَةَ الْمُسْلِمِ وَلَوْ عَلَى خَمْسَةِ أَمْيَالٍ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ.» (۳) به حاضران و غایبان از اتم توصیه می کنم که دعوت مسلمان را اگر چه پنج میل (حدود ده کیلومتر) با او فاصله باشد، اجابت کنند زیرا اجابت دعوت مسلمان جزء برنامه های دین است و نیز فرمودند: «مِنَ الْجَفَاءِ... أَنْ يُدْعَى الرَّجُلُ إِلَى طَعَامٍ فَلَا يُجِيبُ أَوْ يُجِيبُ فَلَا يَأْكُلُ.» (۴) از جفا و نامهربانی است که انسانی به غذا دعوت شود ولی اجابت نکند یا اجابت کند ولی از آن غذا نخورد.» رسول الله اجابت نکردن مهمانی را دلیل عجز و ناتوانی می دانند و می فرمایند: «مَنْ أَعْجَزَ الْعَجْزِ رَجُلٌ دَعَا أَخُوهُ إِلَى طَعَامٍ فَتَرَكَهُ؛ (۵) بالاترین عجز آن

ص: ۶۲

۱- همان.

۲- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۲۷۲.

۳- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۴۴۷.

۴- همان.

۵- همان، ج ۷۲، ص ۴۴۸.

است که مردی برادر دینیش او را به غذا دعوت کند، ولی او آن را ترک نماید و اجابت نکند.» نکته حائز اهمیت اینکه انسان نباید بدون دعوت بر کسی وارد شود چه اینکه این عمل از نظر رسول اکرم صلی الله علیه و آله ناپسند شمرده شده، ایشان به علی علیه السلامی فرمایند: ای علی! هشت نفرند اگر اهانت شوند، جز خود را سرزنش نکنند، آن کسی که بدون دعوت به کنار سفره شخصی می رود... (۱).

در اسلام تاکید شده است که میزبان تنها ثروتمندان را دعوت نکند بلکه فقرا و مستمندان را نیز جزو دعوت شدگان قرار دهد پیامبر اکرم در این راستا می فرمایند:

شَرُّ الطَّعَامِ طَعَامُ الْوَلِيْمَةِ يُدْعَى إِلَيْهَا الشَّبْعَانُ وَ يُحْبَسُ عَنْهُ الْجِيعَانُ. (۲)

بدترین غذا، آن سوری است که افراد سیر (و ثروتمند) به آن دعوت می شوند و از گرسنگان دریغ می گردد.

و نیز فرمودند: «اجابت دعوت کسی که در کنار سفره ولیمه او ثروتمندان حاضرند نه فقیران، ناپسند است.» (۳)

رسول گرامی اسلام محبوب ترین مهمانان را دوستان خداوند می شمارند و می فرمایند در دعوت کردن از میهمانان به این مهم توجه کنید. از این رو می فرماید: «أَضِيفُ بِطَعَامِكَ مَنْ تُحِبُّ فِي اللَّهِ؛ کسی را که به خاطر خدا دوستش داری به غذای خود میهمان کن.» رسول اکرم صلی الله علیه و آله سفارش می فرمایند که

ص: ۶۳

۱- خصال، صدوق، ج ۲، ص ۴۰.

۲- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۵۲۲.

۳- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۴۴۸.

میزبان همراه مهمانانش غذا بخورد. «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُحِبَّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ فَلْيَأْكُلْ مَعَ ضَيْفِهِ» (۱) کسی که دوست دارد تا خدا و رسولش او را دوست بدارند باید همراه مهمانانش غذا بخورد.» پیامبر توصیه می کردند برای پذیرایی از مهمان خود را به زحمت نیاندازند و با همان چیزی که در منزل دارید از او پذیرایی کنید. دو نفر مهمان مسلمانی شدند، مسلمان نان و نمک برای آنها حاضر کرد و گفت: اگر پیامبر از تکلف نهی نکرده بود برایتان از بیرون چیزی تهیه می کردم. (۲)

ص: ۶۴

۱- همان، ص ۴۵۷.

۲- همان، ج ۲۲، ص ۳۸۴.

۲۰. احترام به سالمندان

۲۰. احترام به سالمندان

پیامبر اسلام می فرمود: «احترام به پیرمرد [و پیرزن] مسلمان، بزرگداشت خداوند است.»^(۱) جوانان را به احترام نهادن به کهن سالان تشویق می کرد و می فرمود:

هیچ جوانی، کهن سالی را به خاطر پیری اش گرامی نمی دارد، جز آنکه هنگام پیری خودش، خداوند کسی را برایش فراهم می کند که احترامش گذارد.^(۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: «روزی دو مرد نزد حضرت آمدند. یکی پیر و دیگری جوان. مرد جوان پیش از همراه کهن سالش لب به سخن گشود. پیامبر فرمود: (ابتدا) بزرگ (تر) و بزرگ (تر).»^(۳)

رسول رحمت همواره خانواده ها را به احترام پیران فرا می خواند و می فرمود:

کهن سال در میان خاندانش بسان پیامبر در میان امتش است.^(۴) از ما نیست کسی که کهن سالان ما را احترام نکند؛^(۵) (زیرا) برکت با بزرگان شماست.^(۶)

ص: ۶۵

-
- ۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۵.
 - ۲- مشکاه الانوار، ص ۲۹۳.
 - ۳- مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۹۳.
 - ۴- جامع الصغیر، ج ۲، ص ۹۰.
 - ۵- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۵.
 - ۶- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۳۷؛ برگرفته از: همنام گل های بهاری، ص ۲۱۸.

ماه مبارک رمضان به پایان رسیده بود و مراسم جشن روز عید فطر، به شکل مخصوصی برگزار می شد. مردم به فقیران و بینوایان انفاق می کردند و صدقه و فطریه بین آنان تقسیم می گشت. نماز عید و دعا و خدابه نماز عید نیز مثل همیشه برگزار شد. جشن روز عید فرا رسید و خوراکی ها و شیرینی ها را میان مسلمانان پخش کردند. اسباب بازی هایی در دسترس بچه ها گذاشته شده بود و کوچک و بزرگ سرگرم تفریح بودند. کودکان، در اطراف میدان به بازی و جست و خیز مشغول بودند. آنها لباس های نو بر تن داشتند و همراه پدر و مادرشان، در گردش و حرکت بودند. همه جا صدای خنده و شادی به گوش می رسید.

در چنین هنگامه ای، چشم کنجکاو و پرمهر رسول خدا صلی الله علیه و آله به کودکی افتاد که جامه کهنه و پاره ای پوشیده و با قیافه ای اندوهگین و دلی پر از آرزو ایستاده بود و به بچه هایی که به مجلس جشن آمده بودند، نگاه می کرد. همین که پیامبر او را دید، دانست که کودکی یتیم است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله به طرف آن کودک رفت و با لبخند شیرینی فرمود: امروز من می خواهم پدر شما باشم! پس کودک را از زمین بلند کرد و در آغوش گرفت و او را بسیار نوازش کرد. کودک از این محبت پدران خوشحال شد، تبسمی بر لبانش نقش بست و

همچنین آورده اند: زمانی که خبر شهادت جعفر بن ابی طالب به مدینه رسید، رسول اکرم صلی الله علیه و آله به خانه جعفر آمد و به همسر او اسماء بنت عمیس فرمود: کودکان جعفر را بیاور. وقتی اسماء کودکان یتیم جعفر را نزد پیامبر آورد، حضرت آنان را در آغوش گرفت و به آنها بسیار محبت کرد. عبدالله پسر جعفر می گوید: خوب به خاطر دارم روزی را که پیامبر نزد مادر آمد و خبر مرگ پدرم را به او داد و دست محبت بر سر من و برادرم کشید. (۲)

در خبر دیگری نیز آمده است: کودک یتیمی نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: پدرم از دنیا رفته و مادرم تنگ دست و فقیر است. خواهرم شوهر و سرپرستی ندارد. از چیزهایی که خدا به شما عنایت فرموده است، به من اطعام کن تا خدای تعالی خشنود گردد. پیامبر تحت تأثیر سخنان کودک قرار گرفت و به او فرمود: چقدر نیکو سخن می گویی! پس به بلال حبشی فرمود: با شتاب به حجره های همسران من برو و بین اگر غذایی هست، با خود بیاور. بلال رفت و به جست و جو پرداخت و ۲۱ دانه خرما یافت و به خدمت پیامبر آورد. حضرت خرماها را به سه قسمت تقسیم کرد. هفت عدد آن را به کودک یتیم داد و فرمود: بقیه را بگیر. نصف آن را به مادرت بده و نصف دیگر را به خواهرت. کودک یتیم درحالی که خوشحال و خندان بود، به طرف خانه خود حرکت کرد.

ص: ۶۷

۱- سعیدی، داستان هایی از زندگی پیغمبر، ص ۱۲۳.

۲- بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۱۲.

در این هنگام، یکی از یاران پیامبر به نام معاذ از جا برخاست و دست نوازش و محبت بر سر آن کودک یتیم کشید و با سخنان مهربانگیز، وی را تسلی خاطر داد و گفت: خداوند یتیمی تو را جبران کند و تو را جانشین پدرت قرار دهد.

پیامبر به معاذ فرمود: ای معاذ! کار تو را دیدم. بدان که هر کس یتیمی را سرپرستی کند و دست نوازش بر سر او بکشد، خداوند به هر تارمویی که از زیر دستش می گذرد، پاداش نیکویی به او می دهد و گناهی از گناهان او را محو می کند و بر درجه و مقام او می افزاید. (۱)

ایشان در سخنی دیگر می فرماید: آیا دوست داری دلت نرم شود و به حاجت خود برسی؟ به یتیم مهرورزی کن، او را نوازش کن و از غذای خویش به او بخوران تا دلت نرم شود و به حاجت خود برسی. (۲)

همچنین فرمود:

محبوب ترین خانه های شما در نظر خداوند، خانه ای است که در آن به یتیمی احترام نهاده شود. (۳)

حضرت در روایت دیگری می فرماید:

در بهشت خانه ای به نام خانه شادمانی هست. تنها و تنها کسی به این خانه

ص: ۶۸

۱- ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۲۷، ص ۱۴۷.

۲- جامع الصغیر، ج ۱، ص ۳۹.

۳- همان.

می رود که یتیمان دین باور را شاد سازد. (۱)

۲۲. مسکین نوازی

۲۲. مسکین نوازی

پیامبر رحمت و هدایت، وسیله نزدیک شدن به خداوند را دوست داشتن مسکینان و نزدیک شدن به آنان اعلام کرد. رسول گرامی اسلام، بینوایان را بسیار دوست می داشت و می فرمود:

أَمَرَنِي رَبِّي أَحَبَّ الْمَسَاكِينِ الْمُسْلِمِينَ. (۲)

پروردگام به من فرمان داده است که مسلمانان بی چیز را دوست بدارم.

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است خداوند در شب معراج به او فرمود:

ای احمد! دوست داشتن خدا؛ در دوست داشتن فقیران و نزدیک شدن به ایشان است... به فقیران و مجلسشان نزدیک شو تا تو را به خود نزدیک کنم و از ثروتمندان و مجلسشان دور شو که فقیران، دوستان من هستند. (۳)

پیامبر خدا، یاران خود را به نزدیک شدن به مستضعفان و دوستی ایشان سفارش می کرد. سلمان فارسی می گوید:

ص: ۶۹

۱- همان، ج ۲، ص ۴۳۳.

۲- کافی، ج ۸، ص ۴۹.

۳- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۲۳.

حییم، رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا به هفت خصلت سفارش فرمود که در هیچ حالی آنها را ترک نکنم: اینکه به پایین تر از خود بنگرم و به آنکه برتر از من است، ننگرم و اینکه مستمندان را دوست بدارم و به آنان نزدیک شوم. (۱)

آن حضرت فرموده است:

إِنَّمَا يَنْصُرُ اللَّهُ هَذِهِ الْأُمَّةَ بِضَعِيفِهَا، بِدَعْوَتِهِمْ وَصَلَاتِهِمْ وَإِخْلَاصِهِمْ. (۲)

خداوند این امت را به واسطه ناتوانانش و دعای ایشان و نماز و اخلاصشان یاری می کند.

همچنین رسول گرامی اسلام می فرمود:

اللَّهُمَّ أَحْبِبْنِي مَسْكِينًا وَ أُمَّتِي مَسْكِينًا وَ احْشُرْنِي فِي زُمْرَةِ الْمَسَاكِينِ. (۳)

خدایا! مرا مسکین زنده بدار و مسکین بمیران و با مسکینان محشور کن.

خاتم پیامبران الهی، خود را از مسکینان می دانست و هرگز از این شأن و روحیه دور نگشت. قاضی عیاض می نویسد:

كَانَ أَحَبُّ الْأَسْمَاءِ إِلَيْهِ أَنْ يُقَالَ لَهُ مَسْكِينٌ. (۴)

محبوب ترین نام ها برای آن حضرت، آن بود که وی را مسکین بنامند.

پیامبر خدا هرگز اجازه کوچک شمردن فقیران را نمی داد و می فرمود:

بدانید که هر کس فقیر مسلمانی را تحقیر کند، همچون کسی است که حق خدا را تحقیر کرده باشد و خداوند در روز قیامت او را تحقیر کند، مگر

ص: ۷۰

۱- الخصال، ج ۲، ص ۳۴۵.

۲- الدر المنثور، ج ۱، ص ۲۳۷.

۳- سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۷۸.

۴- الشفاء بتعريف حقوق المصطفى، ج ۱، ص ۱۹۶.

اینکه توبه کند. کسی که فقیر مسلمانی را گرامی بدارد، در روز قیامت، خدا را در حالی دیدار کند که از وی راضی است. (۱)

۲۳. عیادت و پرستاری از بیمار

۲۳. عیادت و پرستاری از بیمار

عیادت از بیمار در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله جایگاه ویژه ای داشت؛ چون عیادت از بیمار عامل تذکر و بیداری است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

عُودُوا الْمَرِيضَ وَ اتَّبِعُوا الْجَنَازَةَ يُذَكِّرُكُمْ الْآخِرَةَ. (۲)

به عیادت بیمار بروید و در تشییع جنازه شرکت کنید که شما را به یاد آخرت می اندازد.

پیامبر، عیادت کننده را در رحمت الهی غوطه ور می بیند و می فرماید:

عَائِدُ الْمَرِيضِ يَخُوضُ فِي الرَّحْمَةِ. (۳)

عیادت کننده از بیمار در رحمت الهی غوطه ور می شود.

ایشان از بیمار در دورترین بخش شهر عیادت می کرد، حتی اگر بیماری اش چشم درد بود. (۴)

رسول رحمت درباره آداب عیادت از بیمار می فرماید:

ص: ۷۱

۱- مکارم الاخلاق، ص ۴۲۹.

۲- میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۵۵۳.

۳- همان.

۴- فیض القدير، ج ۵، ص ۱۴۳.

تَمَامُ عِيَادِهِ الْمَرِيضِ أَنْ يَضَعَ أَحَدُكُمْ يَدَهُ عَلَيْهِ وَ يَسْأَلَهُ كَيْفَ أَنْتَ؟ كَيْفَ أَصْبَحْتَ؟ وَ كَيْفَ أَمْسَيْتَ؟ (۱)

کمال عیادت بیمار در آن است که عیادت کننده دست بر (سر) مریض بگذارد، حالش را بپرسد و از اینکه شب و روز خود را چگونه می گذرانند، بررسی.

خوب است عیادت از بیمار کوتاه باشد تا مایه ناراحتی بیمار نگردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «خَيْرُ الْعِيَادَةِ أَحْفَاهَا» (۲) بهترین عیادت آن است که سبک تر برگزار شود.

در روایتی آمده است آفریدگار در روز رستاخیز می فرماید: آدمی زاد! بیمار شدم، مرا عیادت نکردی. آدمی گوید: خدایا، چگونه تو را که پروردگار جهانیانی، عیادت کنم؟ خداوند پاسخ می دهد: مگر نمی دانستی که فلان بنده ام بیمار بود و او را عیادت نکردی؟ مگر نمی دانستی که اگر او را عیادت می کردی، مرا نزد او می یافتی» (۳).

رسول خدا صلی الله علیه و آله با تأکید بر عیادت بیمار، پاداش آن را در پیشگاه خدای متعال، چنین یادآور می شود:

مَنْ عَادَ مَرِيضًا فَجَلَسَ عِنْدَهُ سَاعَةً أَجَزَى اللَّهُ لَهُ عَمَلَ أَلْفِ سَنَةٍ لَا يُعْصِي اللَّهُ فِيهَا طَرْفَةَ عَيْنٍ. (۴)

ص: ۷۲

۱- مکارم الاخلاق، ص ۳۵۹.

۲- میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۵۵۳۰.

۳- بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۱۵۶.

۴- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۷۹.

کسی که بیماری را عیادت کند و ساعتی نزد او بنشیند، خداوند، پاداش عمل هزار سال را که لحظه ای در آن معصیت نکرده باشد، به او ارزانی می دارد.

پیامبر گرامی اسلام در آخرین روزهای عمر خود، در آخرین خدابه ای که در مدینه ایراد کرد، پس از دعوت همه مردم به مسجد، بر فراز منبر قرار گرفت. ایشان در موعظه و پیامی رسا که اشک ها را جاری ساخت، فرمود:

مَنْ قَامَ عَلَيَّ مَرِيضًا يَوْمًا وَلَيْلَةً بَعَثَهُ اللَّهُ مَعَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَازَ عَلَيَّ الصُّرَاطَ كَالْبُرْقِ اللَّامِعِ وَمَنْ سَعَى لِمَرِيضٍ فِي حَاجَةٍ فَقَضَاهَا خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ. (۱)

کسی که یک روز و یک شب پرستاری بیماری را به عهده بگیرد، خداوند، او را با ابراهیم خلیل علیه السلام محشور می کند. پس همچون درخشش برقی از صراط می گذرد و کسی که در برطرف کردن نیازهای بیمار تلاش کند و نیاز او را برآورد، همانند روزی که از مادر متولد شده است، از گناهان پاک می شود.

ایشان علاوه بر یادآوری پاداش ها و آثار معنوی پرستاری، خود نیز به این عمل ارزشمند اقدام می کرد. علامه مجلسی از حضرت علی علیه السلام نقل کرده است: «شبی تب وجودم را فرا گرفت و خواب را از من ربود. بدین جهت رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز تا صبح بیدار بود و شب را بین من و نماز تقسیم می کرد.

ص: ۷۳

پس از نماز نزد من می آمد و جویای حال من می شد و با نگاه کردن به من از وضعیت بیماری ام اطلاع می یافت. پس از آنکه حضرت با اصحاب نماز گزارد، در حق من دعا کرد که: خدایا علی را شفا ده و سلامتی بخش که به خاطر بیماری اش تا صبح نخوابم» (۱).

۲۴. ساده زیستی و بی آلاشی

۲۴. ساده زیستی و بی آلاشی

دیلمی درباره ساده زیستی رسول الله صلی الله علیه و آله می نویسد: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زندگی کم خرج و کم هزینه بود» (۲) ایشان روی زمین می نشست و زیراندازش، قطعه حصیری بود و بالشی از چرم که درونش را از لیف خرما انباشته بودند، زیر سر می نهاد. قوت غالبش، نان جوین و خرما بود و هرگز سه روز پیپی از نان گندم سیر نخورد. روزه اش را با چند دانه خرما و اگر در دسترس نداشت، با نوشیدن آبی افطار می کرد. (۳) حضرت علی علیه السلام که با پیامبر بیشترین انس و هم نشینی را داشت، درباره ایشان می گوید:

این سیره مسلم رسول خداست _ درود خدا بر او و خاندانش - که نشسته بر خاک غذا می خورد. نشست و برخاستی برده وار داشت. خود به دست خویش، پینه بر کفش می زد و جامه اش را وصله می کرد. بر الاغ برهنه می نشست و دیگری را نیز بر پشت می نشاند. روزی پرده ای رنگین و

ص: ۷۴

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۳.

۲- ارشاد القلوب، دیلمی، ص ۱۱۵.

۳- بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۴.

پرنقش و نگار بر در خانه آویخته دید. به همسری از همسرانش فرمود: آن را از برابر دیدگانم دور بدار. هر گاه نگاهم بدان می افتد، به یاد دنیا و زرق و برقش می افتم. بدین سان روی دل از دنیا برتافت و یاد آن را از صفحه جاننش زدود. همواره دوست می داشت که جاذبه های دنیا از نگاهش پنهان بماند تا مبادا از آن پیرایه ای برگیرد یا جاودانه اش انگارد و به جایگاه و مقام خاصی از آن دل بیندد و بدین سان دنیا را از صفحه جان و از خانه قلب بیرون راند و بر هر چه دنیایی بود، چشم فرو پوشید. آری! چنین است که هر کس به راستی چیزی را منفور شمارد، نگاه و یاد آن را نیز ناخوش دارد. (۱)

امام محمدباقر علیه السلام درباره این ویژگی پیامبر به محمد بن مسلم فرمود:

ای محمد! شاید پیش خود فکر می کنی که پیامبر در سراسر زمان پیامبری خود سه روز پشت سر هم از نان گندم سیر نشد. نه به خدا که چنین نیست. از زمان بعثت تا زمان رحلت سه روز پیایی از نان گندم سیر نخورد. البته من نمی گویم که به آن دسترسی نداشت حتی حضرت زمانی یکصد شتر به عنوان جایزه به یک نفر بخشید. اگر می خواست بخورد، می خورد. (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حجره کوچکی زندگی می کرد که مساحتش اندکی افزون از دو متر و مواد ساختمانی آن مقداری گل و چند شاخه خشکیده نخل بود که با طناب های موین به هم پیوسته بود. سقفش چندان کوتاه بود

ص: ۷۵

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۵۵.

۲- اصول کافی، ج ۸، ص ۱۳.

که یکی از یارانش می گوید: «من در زمان نوجوانی آن حجره را دیده بودم و در حال ایستادن، دست بر سقف آن می سودم. فرش آن گاهی گلیمی موین و خشن و زمانی بوریاپی بود که درشتی آن در پهلوها نقش می بست.» (۱)

امام خمینی رحمه الله در بیان این اصل از زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

شاید بسیاری گمان کنند که رفاه مادی و اموال زیاد داشتن برای انسان سعادت می آورد. انسان گمان می کند سعادتش به این است که چند باغ یا ده یا سرمایه ای در بانک ها داشته باشد، و لکن وقتی ما ملاحظه می کنیم و سعادت ها را سنجش می نماییم، می بینیم سعادت مند کسانی بودند که در کوخ ها زندگی کردند. یک کوخ پنج نفری در صدر اسلام داشتیم و آن کوخ فاطمه زهرا علیها السلام است و برکات آن جهان را پر کرده است. خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله از همین حجره کوچک، نورش به ملک و ملکوت افتاده است و سعه تربیت وی در تمام جهان توسعه پیدا کرده است. (۲)

حضرت علی علیه السلام در کلام دیگری، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را حتی در میان پیامبران نیز زاهدترین دانسته و فرموده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ أَزْهَدَ النَّاسِ أَوْ أَزْهَدَ الْأَنْبِيَاءِ؛ حضرت رسول، زاهدترین مردم یا بی آرایش ترین پیامبران الهی بود.» (۳) به راستی که رسول الله صلی الله علیه و آله نسبت به دنیا و زرق و برق آن بی رغبت بود، هر چند همه امکانات دنیا در اختیار قرار داشت. برادر و آینه تمام نمای او علی علیه السلام در جایی دیگر می فرماید:

ص: ۵۶

۱- سیره نبوی، مطلبی، ص ۱۶۷ و ۱۶۸.

۲- صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۱۷.

۳- اسد الغابه، ج ۱، ص ۲۸.

قَضَمَ الدُّنْيَا قَضْمًا وَلَمْ يُعْرِهَا طَرْفًا أَهْضَمَ أَهْلَ الدُّنْيَا كَشْحًا وَ أَخْمَصُهُمْ مِنَ الدُّنْيَا بَطْنًا عُرِضَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَهَا. (۱)

از دنیا چندان نخورد که دهان را پر کند و بدان ننگریست چندان که گوشه چشم بدان افکند. تهی گاه او از همه مردم دنیا لاغرتر بود و شکم او از همه خالی تر. دنیا را به او نشان دادند، ولی آن را نپذیرفت.

۲۵. میانه روی در زندگی

۲۵. میانه روی در زندگی

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله همگان را به میانه روی و اعتدال فرا می خواند: «بر شما باد میانه روی، بر شما باد میانه روی، بر شما باد میانه روی.» (۲) عایشه می گوید: پیامبر نزد من آمد و زنی از قبیله بنی اسد با من بود. حضرت پرسید: او کیست؟ گفتم: فلانی است که شب ها (به خاطر عبادت) نمی خوابد. حضرت فرمود: بس کن. به اندازه توانتان کار کنید. محبوب ترین (کارها) نزد خداوند آن است که کننده آن بر آن عمل مداومت داشته باشد. (نه اینکه بسیار انجام دهد و خود را خسته کند). (۳)

رسول الله صلی الله علیه و آله حفظ توازن را در امور معاش و معاد و نیازهای روح و بدن لازم می دید و اجازه نمی داد کسی راه افراط و تفریط بیماورد. ایشان،

ص: ۷۷

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰.

۲- خصال، ص ۶۸.

۳- صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۶.

رهبانیت و غوطه ور شدن در شهوت های حیوانی را به یک نسبت محکوم می ساخت و حد وسط این دو را با گفتار و رفتار خود نشان می داد. همچنین آنها را که همه وقت خود را در نماز و روزه صرف می کردند و به کارهای زندگی بی اعتنا بودند، از انحراف بازمی داشت. پس می فرمود: «بدن شما و زن و فرزند و یارانتان همگی حقوقی بر شما دارند و باید آنها را رعایت کنید.»^(۱) در یکی از سفرها، بعضی از اصحاب به دلیل کج فهمی، روزه گرفته و از شدت گرما، هریک به گوشه ای افتاده و از حال رفته بودند. دیگران نیز در نصب چادرها و سیراب کردن چارپایان و خدمات دیگر می کوشیدند. ایشان فرمود: «همه ثواب متعلق به کسانی است که این کارها را انجام می دهند.»^(۲) حضرت علی علیه السلام درباره سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می فرماید: «سیره القصد؛ سیره آن حضرت، میانه روی بود.»^(۳)

میانه روی و اعتدال در امور اقتصادی نیز هم پای اعتدال در امور عبادی مورد عنایت رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل است:

الْبُسْوَا وَ كُلُّوَا وَ اشْرَبُوا فِي أَنْصَافِ الْبُطُونِ؛ فَإِنَّهُ جُزْءٌ مِنَ التُّبُوهِ.^(۴)

پوشید و بخورید و بیاشامید، ولی با میانه روی. میانه روی، از ویژگی های

ص: ۷۸

۱- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۶۳.

۲- همان، ص ۱۴۴.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۹۴.

۴- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۱۶.

نبوت است.

میانه روی و اعتدال در مسائل اقتصادی مورد تاکید اسلام است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید: کسی که مقتصد و میانه رو باشد، هرگز فقیر و نیازمند نمی شود. (۱)

یکی از اصول مسلم زندگی، توجه به میانه روی در هزینه ها و درآمدها است، به گونه ای که اگر بین آن دو اعتدال برقرار نباشد، زندگی دچار اختلال خواهد شد.

حضرت در جایی می فرماید: خوشا به حال آن مسلمانی که درآمدهش به قدر کفاف باشد. (۲)

ایشان میانه روی را ضامن بی نیازی می دانست و مصرف بیش از نیاز را سبب فقر و نیازمندی برمی شمرد. ایشان می فرماید:

هرکس میانه رو باشد خدا او را بی نیازی می کند و هر کس که تبذیر کند و بیشتر از آنچه نیاز دارد، مصرف کند خدا او را فقیر می گرداند. (۳)

ص: ۷۹

۱- تنبیه الخواطر، مکتبه الفقیه، قم، ج ۱، ص ۱۶۷.

۲- اصول کافی، ج ۳، ص ۲۱۰.

۳- تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۱۶۷.

در مکتب نبوی، بیکاری، فقر و بیچارگی و در نتیجه دست نیاز به سوی این و آن دراز کردن از صفات بسیار زشت و ناپسند است، رسم پیامبر بر این بود که هرگاه با مردی ملاقات می کرد که نیرو و قوتش مایه شگفتی آن حضرت می شد، می پرسید: آیا به کاری اشتغال دارد؟ اگر پاسخ منفی بود می فرمود: «سَقَطَ مِنْ عَيْنِي؛ از چشم من افتاد.» (۱) پیامبر اکرم می فرمودند: «مَلْعُونٌ مَنْ أَلْقَى كَلَّهُ عَلَى النَّاسِ؛ آن کس که بار زندگی خود را بر دوش دیگران بیفکند و از دسترنج مردم استفاده کند، ملعون و مطرود در گاه خدا است.» (۲) ایشان در سخنی زیبا به همه مسلمانان توصیه می کردند که: «طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ؛ کسب روزی و رزق حلال (با کار و کوشش) بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.» و نیز می فرمودند: «الْفَقْرُ سَوَادٌ الْوَجْهِ فِي الدَّارَيْنِ؛ فقر و ناداری روسیاهی دو جهان است.» خدای متعال انسان را به گونه ای آفریده است که قادر است از قابلیت های وجودی و استعدادهای فراوان خویش در جهت برآوردن نیازهای خود بهره گیرد. بی تردید برخوردار از امکانات رفاهی در زندگی فردی و اجتماعی تنها و تنها بسته به میزان کار و تلاش است که فرد یا اجتماع بر خود هموار ساخته است خداوند متعال می فرماید: «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى وَ أَنْ

ص: ۸۰

۱- بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۹.

۲- تحف العقول، ص ۳۷.

۳- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۹.

۴- مواظب العددیه، ص ۱۱۰.

سَعِيهِ سَوْفَ يُرَى ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى؛ و همانا برای انسان جز حاصل تلاش و کوشش او نیست و (نتیجه) کوشش او به زودی (در این جهان) دیده می شود. پس پاداشی تمام تر (در آن جهان) به او خواهند داد.» (نحل: ۹۷) پیامبر اکرم در کلامی می فرماید: «مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ ثُمَّ لَا يُعَذِّبُهُ أَبَدًا؛ (۱) آن که از دسترنج خود می خورد، خدا به او با نظر رحمت می نگرد و هرگز او را عذاب نمی کند.» همچنین می فرماید: «مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ حَلَالًا فَتُحِلُّ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ؛ (۲) آن که از دسترنج خود می خورد درهای بهشت به روی او گشوده خواهد شد و از هر دری بخواهد وارد آن می شود.» امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می کند: «مَنْ بَاتَ كَالَّا مِنْ طَلَبِ الْحَلَالِ بَاتَ مَغْفُورًا لَهُ؛ (۳) هر کس شب را برای دست یابی روزی حلال با خستگی به روز رساند، آمرزیده شده شب را به روز رسانده است.» رسول اکرم در حدیث دیگری می فرماید: «مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ مَرَّةً عَلَى الصَّوِّاطِ كَالْبُرْقِ الْخَاطِفِ؛ (۴) کسی که از رزق و دسترنج خود بخورد مانند برق درخشنده از روی پل صراط عبور کند.» در روایت آمده است که: روزی پیامبر اکرم با یاران خود نشسته بودند. پیامبر جوان نیرومندی را دید که اول صبح مشغول کار و کوشش می باشد، بعضی از حاضران گفتند، این جوان شایسته تمجید و ستایش بود اگر نیروی جوانی خود را در راه خدا به کار می انداخت. پیامبر

ص: ۸۱

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۴.

۲- همان.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۴.

۴- مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۳.

فرمودند: چنین نگویید اگر این جوان کار می کند، تا نیازمندی های خود را تأمین کند و از دیگران بی نیاز گردد، در راه خدا گام برداشته و همچنین اگر به نفع پدر و مادر ناتوان و کودکان خردسالش کار کند، و آنها را از مردم بی نیاز سازد، باز هم در راه خدا قدم برداشته است. (۱) به رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر رسید که یکی از مسلمانان انصار (اهل مدینه) نیازمند و فقیر شده است. پیامبر به خانه او رفت و به او فرمود: در خانه چه داری؟ هر چه داری بیاور و آن را کوچک بشمار. او یک فرس کم ارزش و یک کاسه آورد. پیامبر به مردم فرمود: چه کسی اینها را می خرد؟ شخصی گفت: من آنها را به یک درهم خریدارم. پیامبر فرمود: چه کسی بیشتر می خرد؟ شخصی آنها را به دو درهم خرید. پیامبر دو درهم را گرفت و به آن مسلمان فقیر داد و فرمود: با یک درهم آن زندگی روزانه ات را تأمین کن و با درهم دیگر یک عدد تیشه خریداری کن. او رفت و تیشه ای خرید و نزد پیامبر آورد. پیامبر آن را محکم نمود و به او داد و فرمود: «این تیشه را بگیر و به بیابان برای خار کنی برو. هیچ گاه کار را کوچک و ناچیز بشمار و در بیابان هرگونه تیغ و خار و هیزم دیدی جمع کن و به فروش برسان.» او پانزده روز هیزم جمع می کرد و به شهر می آورد و می فروخت تا اینکه از همین راه زندگیش سامان گرفت و توانست معاش خود و خانواده اش را تأمین کند.

پیامبر به او فرمود: «هَذَا خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَجِيءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَفِي وَجْهِكَ كُدُوحُ الصَّدَقَةِ:

ص: ۸۲

این کار برای تو بهتر از آن است که (صدقه بگیر شوی و در نتیجه) در روز قیامت وارد محشر شوی درحالی که در چهره ات خراش صدقه باشد.» (۱) در مورد دیگری انس بن مالک می گوید: پس از آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله از جنگ تبوک بازگشت، سعد انصاری به استقبال آن حضرت شتافت و با پیامبر دست داد و مصافحه کرد. پیامبر به او فرمود: چه صدمه و آسیبی به دست تو رسیده که دستت زیر و خشن شده است؟ سعد عرض کرد: ای رسول خدا! با طناب و بیل کار می کنم و درآمدی برای معاش خود و خانواده ام کسب می نمایم. از این رو دستم خشن شده است. (۲) پیامبر دست سعد را بوسید و فرمود: «هَذَا يَدٌ لَا تَمَسُّهَا النَّارُ» (۳) این دستی است که آتش دوزخ با آن تماس پیدا نمی کند».

۲۷. صدقه و بخشش

۲۷. صدقه و بخشش

پیامبر اسلام خود به سخاوت و بخشش در راه خدا بسیار اهمیت می داد و با تعبیرهای گوناگون، پیروان خود را نیز به این ویژگی ارزشمند دعوت می کرد. برای نمونه، فرمود: «الْسَّخِيُّ قَرِيبٌ مِنَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ النَّاسِ قَرِيبٌ مِنَ الْجَنَّةِ؛ انسان سخاوتمند، به خدا، مردم و بهشت، نزدیک است.» (۴) آن حضرت به عدی، پسر حاتم طایی فرمود: «دُفِعَ عَنْ أَبِيكَ الْعَذَابُ الشَّدِيدُ لِسَخَاءِ نَفْسِهِ؛ از پدرت (حاتم) به دلیل

ص: ۸۳

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۰؛ شیخ مفید، اختصاص، ص ۲۴۹.

۲- اسد الغابه، ج ۲، ص ۲۶۹.

۳- صدوق، امالی، ص ۳۴۴.

۴- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۰۸.

سخاوتمند بودنش، عذاب سخت، دفع و برطرف شد.»(۱) علی علیه السلام درباره سیره پیامبر خدا می فرماید:

هر گاه پیامبر می خواست غذا بخورد، به من می فرمود: در را باز بگذار تا هر کس می خواهد، بیاید و غذا بخورد.(۲)

رسول الله صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام می فرمود: «تا می توانی صدقه بده تا حدی که بگویند اسراف کردی، درحالی که این اسراف نیست.»(۳) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خدا اب به کسانی که روح سخاوت ندارند، می فرماید:

هر که مال خود را به اختیار از نیکان دریغ کند، خداوند، مالش را به اجبار، نصیب بدان گرداند.(۴)

روزی حضرت محمد صلی الله علیه و آله به طواف کعبه مشغول بود. مردی را دید که پرده کعبه را گرفته است و می گوید: خدایا! به حرمت این خانه، مرا بیامرزد. حضرت پرسید: گناهت چیست؟ او گفت: من مردی ثروتمند هستم. هر وقت فقیری به سوی من می آید و چیزی از من می خواهد، گویا شعله آتشی به من رو می آورد. پیامبر به او فرمود: «از من دور شو و مرا به آتش خود مسوزان.» سپس فرمود: «اگر تو بین رکن و مقام (کنار کعبه) دو هزار رکعت نماز بگزاری و آن قدر گریه کنی که از اشک هایت، نهرها جاری گردد، ولی با

ص: ۸۴

۱- همان، ج ۷۱، ص ۳۵۴.

۲- همان، ج ۱۶، ص ۷۹.

۳- فروع کافی، ج ۴، ص ۳.

۴- میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۴۵۰.

خصلت بخل بمیری، اهل دوزخ خواهی بود.» (۱) رسول الله صلی الله علیه و آلهدر سخنی زیبا می فرماید: «ما نَقَصَ مَالٌ مِنْ صِدْقِهِ قَطُّ فَأَعْطُوا وَ لَا تَجْبُنُوا؛ هیچ مالی هرگز به جهت صدقه دادن کم نشد. پس عطا کنید و نترسید.» (۲) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکی از راه های درمانی بیماران را در صدقه دادن دانسته است و می فرماید:

صدقه بدهید و بیماران خود را با صدقه درمان کنید؛ زیرا صدقه از پیش آمدهای ناگوار و بیماری ها جلوگیری می کند و بر عمر و حسنات شما می افزاید. (۳)

پیامبر رحمت، صدقه را سایه سار مؤمن در روز قیامت می شمارد و می فرماید: «أَرْضُ الْقِيَامَةِ نَارٌ مَا خَلَا ظِلُّ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّ صَدَقَتَهُ تُظِلُّهُ؛ زمین قیامت (یک پارچه) آتش است به جز سایه مؤمن؛ زیرا صدقه اش بر او سایه می افکند.» (۴)

رسول خدا صلی الله علیه و آله در جای دیگر درباره صدقه دادن فرموده است: «تَصَدَّقُوا مِنْ غَيْرِ مَخِيلَةٍ فَإِنَّ الْمَخِيلَةَ تُبْطِلُ الْأَجْرَ؛ بی چشم داشت و بدون توقع، صدقه بدهید؛ زیرا چشم داشت، پاداش را از بین می برد.» (۵)

نکته آخر اینکه رسول رحمت و مهربانی، صدقه دادن را عامل فرونشاندن خشم پروردگار دانسته و فرموده است: «إِنَّ الصَّدَقَةَ لَتُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ؛ صدقه خشم

ص: ۸۵

۱- علامه نراقی، جامع السادات، ج ۲، ص ۱۵۴.

۲- میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۴.

۳- همان، ج ۷، ص ۳۰۳۸.

۴- همان، ص ۳۰۳۴.

۵- همان، ص ۳۰۵۶.

فرجام سخن

فرجام سخن

از آنچه گذشت، درمی یابیم هدف اصلی بعثت پیامبران به ویژه حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله، یاری رساندن به بشر برای دست یابی به هدف آفرینش است. سعادت انسان، رسیدن به قرب الهی و مقامی است که خدای متعال برای انسان مقدر فرموده است و این جز با تلاش اختیاری در راه بندگی او به دست نمی آید. سعادت انسان در دنیا و آخرت در گرو راهنمایی های پیامبران است. مردم دو دسته اند. هدف عده ای همین دنیاست و تمام هم و غمشان، دست یابی به امیال دنیوی است. اگر انسان ها فریفته نعمت های دنیا شوند، دیگر به ماورای آن نمی اندیشند و چنان غافل می شوند که تو گویی از حقایق اصیل و اهداف اصلی خود بازمانده اند. این درحالی است که زندگانی دنیا جز کالای فریبنده ای، بیش نیست: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ». (حدید: ۲۰)

دسته دیگر، فطرتی بیدار دارند و در کمال لطف الهی می زیند: «سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ

ص: ۸۶

شَرَابًا طَهُورًا». (انسان: ۲۱) اینان مؤمنان واقعی و کسانی هستند که: «لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ». (نور: ۳۷)

اگر لذتی هم می برند، آنچنان است که برای آخرتشان نتیجه داشته باشد. بدیهی است انسان وقتی می خواهد خدایی شود، بدین معنا نیست که از هم لذت های دنیا چشم بپوشد، بلکه نباید تمام توجهش را به دنیا معطوف کند که: «مَنْ أَبْصَرَ إِلَى الدُّنْيَا أَعْمَتْهُ»؛^(۱) چون اگر همه نظرها را به دنیا متمرکز کند، کور می شود. آدمی باید به دنیا نگاه ابزاری داشته باشد؛ یعنی از دنیا عبرت بگیرد و نیز زیبایی های آفریننده اش را ببیند. آن گاه در مقابل عظمت او سر بر خاک بندگی گذارد. بندگی خدا را باید از سرسلسله مخلوقات حضرت ختمی مرتبت بیاموزد؛ چون به فرموده حضرت حق، پیامبر برای شما اسوه ای است که باید از او پیروی کنید اگر «لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا». (احزاب: ۲۱)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره پیروی از پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «وَلَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله كَانَ لَمَكَ فِي الْأُسُوهِ وَ دَلِيلٌ لَكَ عَلَى دَمِّ الدُّنْيَا وَ عَيْبِهَا».^(۲) الگو بودن حضرت رسول برای شما کافی است؛ زیرا دنیا بسیار نارسا و معیوب است. «وَ كَثْرَةُ مَخَازِبِهَا وَ مَسَاوِيهَا»؛ زشتی ها و پلیدی هایش چقدر زیاد است. «إِذْ قَبِضَتْ عَنْهُ أَطْرَافُهَا»؛ چیزی از دنیا در اختیار او قرار داده «وَ وُطِّئَتْ لِغَيْرِهِ أَكْنَافُهَا»؛ و

ص: ۸۷

۱- نهج البلاغه، خطبه ۸۲، ص ۱۰۶.

۲- همان، خطبه ۱۶۰، ص ۲۲۶.

اکناف دنیا در اختیار غیر او قرار داشت. «وَفُطِمَ عَنْ رِضَاعِهَا»؛ مثل بچه ای که از شیر گرفته می شود، از دنیا گرفته شد. «وَ زُوِيَ عَنْ زَخَارِفِهَا»؛ از زیورهای دنیا دور شد. پس «فَتَيَأَسُّ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ فَإِنَّ فِيهِ أُسْوَةً لِمَنْ تَأَسَّى عَزَاءً لِمَنْ تَعَزَّى»؛ اگر می خواهی الگو بگیری، به پیامبر اقتدا کن؛ زیرا «وَ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَأَسِّي بِنَبِيِّهِ»؛ کسی نزد خدا محبوب تر است که به پیامبر اقتدا کند. «وَالْمُقْتَصُّ لِأَثَرِهِ»؛ و کسی که آثار او را دنبال کند.

باری، پیامبر «قَضَمَ الدُّنْيَا قَضْمًا»؛ به اندازه ضرورت از دنیا استفاده کرد. «وَ لَمْ يُعْزَهَا طَرْفًا»؛ حتی گوشه چشمی هم به دنیا نکرد. «عُرِضَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَهَا»؛ جبرئیل به او عرض کرد که کلید گنج های زمین در اختیار شما است. فرمود: من دوست دارم یک روز از نعمت خدا بهره مند شوم و شکر خدا کنم. روز دیگر گرسنه باشم و باز احتیاج خودم را از خدا بخواهم.

با این وصف، بی شک، راه رسیدن به سعادت دنیا و آخرت جز با پیروی از نبوت و امامت میسر نیست. پیامبر همان راهی که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام رفتند؛ راه بندگی خدا و ماناگزیریم از این پیامبر. امید می رود در چنین سال مبارکی، حرکتی همه جانبه، جریانی روشنگر و موجی تأثیرگذار را شاهد باشیم و هدایت بشر را برابر آموزه های آسمانی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به انتظار بنشینیم.

اشاره

گلچینی از سخنان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

زیر فصل ها

۱. وظایف متقابل زن و شوهر

۲. تربیت فرزندان

۱. وظایف متقابل زن و شوهر

اشاره

۱. وظایف متقابل زن و شوهر

زیر فصل ها

الف) وظایف شوهر

ب) وظایف زن

الف) وظایف شوهر

الف) وظایف شوهر

۱. آموزش احکام الهی

لِّلْمَرْأَةِ عَلَىٰ زَوْجِهَا أَنْ يَشْبَعَ بَطْنِهَا، وَيَكْسُوَ ظَهْرَهَا، وَيُعَلِّمَهَا الصَّلَاةَ وَالصَّوْمَ وَالزَّكَاةَ إِنْ كَانَ فِي مَالِهَا حَقٌّ، وَلَا تُخَالِفَهُ فِي ذَلِكَ. (۱)

حق زن بر مرد این است که خرجی او را بدهد، لباس بپوشاند، نماز و روزه و زکات را _ اگر در مال زن حق زکاتی است _ به او یاد دهد و زن نیز در این کارها با او مخالفت نورزد.

۲. خوش اخلاقی

أَحْسِنُ النَّاسِ إِيْمَانًا أَحْسَنَهُمْ خُلُقًا وَ أَلْطَفُهُمْ بِأَهْلِيهِ وَ أَنَا أَلْطَفُكُمْ بِأَهْلِي. (۲)

شایسته ترین مردم از نظر ایمانی، خوش اخلاق ترین آنان و مهربان ترین آنها با خانواده اش است و من مهربان ترین شما با خانواده ام هستم.

۳. مهربانی

... فَأَشْفِقُوا عَلَيْهِنَّ وَ طَيَّبُوا قُلُوبَهُنَّ، حَتَّى يَقْفَنَ مَعَكُمْ، وَ لَا تُكْرَهُوا النِّسَاءَ وَ

ص: ۸۹

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۳۸، ح ۲.

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۰۷، ح ۲۵.

لَا تَسْخَدُوا بِهِنَّ. (۱)

با زنان مهربانی کنید و دل هایشان را به دست آورید تا با شما همراهی کنند و آنان را مجبور و خشمگین نکنید.

۴. ترحم و نوازش

خَيْرُ الرِّجَالِ مِنْ أُمَّتِي الَّذِينَ لَا يَتَطَاوَلُونَ عَلَى أَهْلِيهِمْ وَ يَحْنُونَ عَلَيْهِمْ وَ لَا يَظْلِمُونَهُمْ. (۲)

بهترین مردان امت من آن کسانی هستند که نسبت به خانواده خود خشن و متکبر نباشند و بر آنان ترحم و نوازش روا دارند و به آنان آزار نرسانند.

۵. پرهیز از توهین

أَخْبَرَنِي أَخِي جَبْرِئِيلُ، وَ لَمْ يَزَلْ يُوصِينِي بِالنِّسَاءِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنْ لَا يَجِلَّ لِرُؤُوسِهَا أَنْ يَقُولَ لَهَا: أَفٌّ. (۳)

برادرم، جبرئیل به من خبر می داد و همواره سفارش زنان را می کرد تا آنجا که گمان کردم برای شوهر جایز نیست به زنش حتی «اف» هم بگوید.

۶. محبت

كَلَّمَا إِزْدَادَ الْعَبْدُ إِيمَانًا إِزْدَادَ حُبًّا لِلنِّسَاءِ. (۴)

هر بنده ای که ایمانش به خدا بیشتر باشد، به همسرش بیشتر اظهار علاقه و

ص: ۹۰

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۲، ح ۲.

۲- مکارم الاخلاق، باب ۸، فصل ۵، ص ۲۱۶.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۲، ح ۲.

۴- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۸، ح ۲۸.

محبت می کند.

۷. اظهار محبت

قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا. (۱)

این گفتار شوهر به همسرش که «من تو را دوست دارم»، هرگز از قلب زن بیرون رفتنی نیست.

۸. تحمل اخلاق ناپسند

هر مردی که بداخلاقی زنش را تحمل کند، خداوند به او همان پاداشی را می دهد که به حضرت داوود برای صبرش بر بلا عطا فرمود. و هر زنی که بداخلاقی مردش را تحمل کند، خداوند به او ثواب آسیه (دختر مزاحم و همسر فرعون) را عطا می فرماید. (۲)

۹. خدمت به خانواده

مَنْ لَمْ يَأْتِ مِنْ خِدْمَةِ الْعِيَالِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لِلْكَبَائِرِ وَيُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ وَ مَهْوَرُ الْحُورِ الْعَيْنِ وَ تَزِيدُ فِي الْحَسَنَاتِ وَ الدَّرَجَاتِ. (۳)

هر کس از خدمت به خانواده اش روی برتابد و شکایت نکند، این کار کفاره گناهان بزرگ و خاموش کننده خشم الهی و مهریه حورالعین و زیاد کننده حسنات و درجات اوست.

۱۰. خریدن هدیه برای خانواده

هر کس به بازار رود و هدیه ای برای خانواده اش خریداری کند، پاداش

ص: ۹۱

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۰، ح ۹.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۷، ح ۳۰.

۳- بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۳۲، ح ۱.

او مانند کسی است که برای نیازمندان صدقه می برد. وقتی که هدیه را به خانه برد، اول به دختران بدهد؛ زیرا کسی که دخترش را خوشحال کند، مانند کسی است که یک بنده از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده است. هر کس با دادن هدیه، چشم پسری را روشن کند، گویا از ترس خدا گریه کرده است و هر کس از ترس خدا بگیرد، خداوند، او را به بهشت پرنعمتش وارد می کند. (۱)

۱۱. عفت

عَفُّوا عَنِ نِسَاءِ غَيْرِكُمْ تُعَفُّ نِسَاءُكُمْ. (۲)

نسبت به زنان دیگران عفت داشته باشید، تا دیگران نیز نسبت به زنان شما عفت داشته باشند.

ب) وظایف زن

ب) وظایف زن

۱. هماهنگی با شوهر

يَكُ — إِنَّ لِلرَّجُلِ حَقًّا عَلَى امْرَأَتِهِ إِذَا دَعَاها تَرْضِيهِ، وَإِذَا أَمَرها لَا تَعْصِيهِ وَلَا تُجَاوِبُهُ بِالْخِلَافِ وَلَا تُخَالِفُهُ. (۳)

مرد حقی بر همسرش دارد و آن حق این است که چنانچه او را صدا بزند، پاسخ دهد و هنگامی که به او دستوری بدهد، سرپیچی نکند و جواب مخالف ندهد و با او مخالفت نرزد.

دو — لَا يُبْغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَصَدَّقَ بِشَيْءٍ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ، فَإِنْ فَعَلَتْ

ص: ۹۲

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۲۷، ح ۱.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۴، ح ۵.

۳- همان، ج ۱۴، ص ۲۳۸، ح ۲.

ذَلِكَ كَانَ لَهُ الْأَجْرُ وَ عَلَيْهَا الْوِزْرُ. (۱)

برای زن سزاوار نیست که از خانه شوهرش چیزی را صدقه بدهد مگر با اجازه او. پس اگر زن چنین کاری کرد، پاداش صدقه برای مرد و گناه برای زن است.

سه _ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِنِسَاءِكُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيْهِنَّ حَقًّا حَقُّكُمْ عَلَيْهِنَّ... وَ [أَنْ] لَا يَدْخُلَنَّ أَحَدًا تُكْرَهُونَهُ بِيُوتُكُمْ إِلَّا بِإِذْنِكُمْ. (۲)

مردم! زن ها بر شما حقی دارند و شما هم بر آنها حقی دارید. حق شما بر زنانتان این است که کسی را که شما رضایت ندارید، بدون اجازه به خانه تان نیاورند.

۲. مهر و محبت

لِلرَّجُلِ عَلَى الْمَرْأَةِ أَنْ تَلْزَمَ بَيْتَهُ وَ تُودِدَهُ وَ تُحِبَّهُ وَ تُشْفِقَهُ وَ تَجْتَنِبَ سَخَدَاهُ وَ تَتَّبِعَ مَرْضَاتِهِ وَ تُؤْفَى بِعَهْدِهِ وَ وَعْدِهِ. (۳)

حق مرد بر زن این است که زن ملازم خانه باشد و به شوهرش دوستی و محبت و مهربانی ورزد و از خشم او دوری کند و آنچه را مورد رضایت اوست، انجام دهد و به پیمان ها و وعده های وی وفادار باشد.

۳. خودداری از آزار همسر

يَكُ _ وَيَلُّ لِامْرَأَةٍ أَغْضَبَتْ زَوْجَهَا وَ طُوبَى لِامْرَأَةٍ رَضِيَ عَنْهَا زَوْجُهَا.

وای بر زنی که شوهرش را به خشم آورد و خوشا به حال زنی که

ص: ۹۳

۱- همان، ج ۱۴، ص ۲۳۸، ح ۲.

۲- بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۳۴۸، ح ۱۳.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۳۸، ح ۲.

شوهرش از او راضی باشد.

دو _ زنی که شوهرش را آزار دهد، خداوند، نماز و کار نیک زن را قبول نمی کند تا اینکه به مرد، کمک و او را راضی کند، اگرچه تمام عمر را روزه بگیرد و نماز بخواند و بندگان را آزاد و اموالش را در راه خدا انفاق کند. چنین زنی نخستین کسی است که وارد دوزخ می شود. مرد همچنین عذابی دارد اگر زنش را آزار دهد و به او ستم کند. (۱)

سه _ اَيُّمًا امْرَأَةٌ آذَتْ زَوْجَهَا بِلِسَانِهَا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا صِيْرًا وَلَا عَيْدًا وَلَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُرْضِيَ بِهِ وَإِنْ صَامَتْ نَهَارَهَا وَقَامَتْ لَيْلَهَا. (۲)

هر زنی که شوهرش را با زبانش بیازارد، خداوند هیچ کار واجب و مستحبی را از او نمی پذیرد و هیچ کار نیکش را قبول نمی کند تا وقتی که شوهرش را راضی کند، اگرچه روزها را روزه بگیرد و شب ها عبادت کند.

۴. پرهیز از منت نهادن

أَيُّمًا امْرَأَةٌ مَنَّتْ عَلَى زَوْجِهَا بِمَالِهَا فَتَقُولُ: إِنَّمَا تَأْكُلُ أَنْتَ مِنْ مَالِي، لَوْ أَنَّهَا تَصَدَّقَتْ بِذَلِكَ الْمَالِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهَا إِلَّا أَنْ يَرْضَى عَنْهَا زَوْجُهَا. (۳)

هر زنی که با ثروتش بر شوهرش منت گذارد و به او بگوید: «تو از ثروت من می خوری»، اگر این ثروت را در راه خدا صدقه بدهد، خدا از او نمی پذیرد تا آنکه شوهرش از او راضی شود.

ص: ۹۴

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۶، ح ۱.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۴، ح ۱۵.

۳- مکارم الاخلاق، باب ۸، فصل ۲، ص ۲۰۲.

۵. کمک به همسر

أَيُّمَا امْرَأَةٍ أَعَانَتْ زَوْجَهَا عَلَى الْحَجِّ وَالْجِهَادِ أَوْ طَلَبِ الْعِلْمِ أَعْطَاهَا اللَّهُ مِنَ الثَّوَابِ مَا يُعْطِي امْرَأَةً أَيُّوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (۱)

هر زنی که در حج و جهاد و دانش اندوزی به شوهرش کمک کند، خداوند آن پاداشی را که به زن حضرت ایوب علیه السلام داده است، به او می دهد.

۶. تأمین امنیت روانی همسر

وظیفه زن نسبت به شوهرش این است که چراغ خانه را روشن کند. غذای مطبوع و نیکو بپزد و تا در خانه به پیشواز شوهرش برود و به او خوش آمد بگوید. سپس آب و حوله و تشت فراهم کند و دست های او را بشوید و... (۲)

۷. پرهیز از لباس و زیور نامناسب در بیرون از خانه

نَهِيَ أَنْ تَلْبَسَ الْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ ثَوْبًا مَشْهُورًا أَوْ تَحْلِيًّا بِمَالِهِ صَوْتٌ يُسْمَعُ. (۳)

نهی شده است که زنان هنگامی که از خانه بیرون می روند، لباس شهرت و انگشت نما بپوشند یا زینت صدادار داشته باشند.

۸. پرهیز از نگاه به نامحرم

اِسْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى امْرَأَةٍ ذَاتِ بَعْلِ مَلَأَتْ عَيْنَهَا مِنْ غَيْرِ زَوْجِهَا أَوْ غَيْرِ ذِي

ص: ۹۵

۱- همان، ص ۲۰۱.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۴، ح ۲.

۳- همان، ص ۲۸۰، ح ۵.

مَحْرَمٍ مِنْهَا فَإِنَّهَا إِنْ فَعَلَتْ ذَلِكَ أَحْبَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ كُلَّ عَمَلٍ عَمِلَتْهُ. (۱)

هر زن شوهرداری که چشمش را از نگاه کردن به غیر شوهرش و غیر محارمش پر کند، مورد غضب شدید پروردگار قرار می گیرد. پس اگر این زن چنین کند، خداوند، پاداش هر کاری را که انجام داده است، از بین می برد و محو می کند.

۹. آراستن خود برای همسر

إِنَّ مِنْ خَيْرِ نِسَائِكُمْ... الْمُتَبَرِّجَةَ مِنْ زَوْجِهَا الْحِصَانَ عَنْ غَيْرِهِ.

بهترین زنان شما آن زنی است که برای شوهرش آرایش و زینت می کند، ولی خود را از بیگانگان می پوشاند.

۲. تربیت فرزندان

۲. تربیت فرزندان

۱. حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ أَنْ يُحَسِّنَ إِسْمَهُ وَيُعَلِّمَهُ الْكِتَابَةَ وَيُزَوِّجَهُ إِذَا بَلَغَ. (۲)

حق فرزند بر پدرش این است که اسم نیکو بر او بگذارد و هنگام بالغ شدن برای ازدواج او اقدام کند و به او خواندن و نوشتن بیاموزد.

در روایتی دیگر افزوده است: «وَمُحَسِّنَ أَدَبِهِ»؛ (۳) یعنی ادب او را نیکو گرداند».

۲. أَحَبُّ الْأَسْمَاءِ إِلَى اللَّهِ عَبْدُ اللَّهِ وَعَبْدُ الرَّحْمَنِ. (۴)

دوست داشتنی ترین نام ها برای خداوند، عبدالله و عبدالرحمان است.

ص: ۹۶

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۱، ح ۲.

۲- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۸۰.

۳- کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۱۸.

۴- همان.

۳. علی علیه السلام فرمود:

إِذَا سَمَّيْتُمُ الْوَلَدَ مُحَمَّدًا فَأَكْرَمُوهُ وَأَوْسِعُوا لَهُ فِي الْمَجْلِسِ وَلَا تَقْبَحُوا لَهُ وَجْهًا. (۱)

وقتی اسم فرزندان را محمد گذاشتید، به او احترام بگذارید و برای او در مجلسی، جای وسیع فراهم کنید و برای او رو ترش نکنید.

در حدیث دیگری افزوده است: «فلا تضربوه ولا تحرموه؛ (۲) او را نزنید و (از چیزی که نیاز دارد) محروم نگذارید.

۴. كُلُّ غُلَامٍ رَهِينَةٌ عَقِيقَةٍ، تُدْبِحُ عَنْهُ يَوْمَ السَّابِعِ وَيُحْلَقُ رَأْسُهُ وَيُسَمَّى.

هر فرزندی (پسری) در گرو عقیقه است و برای او در روز هفتم ولادت باید (حیوانی) ذبح شود و سر او تراشیده شود و بر او اسم نهاده شود.

۵. إِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ فَكُفُّوا صَبِيَانَكُمْ، فَإِنَّهَا سَاعَةٌ تَنْتَشِرُ فِيهَا الشَّيَاطِينُ. (۳)

وقتی خورشید غروب کرد، جلو بچه هایتان را حفظ کنید؛ چون آن لحظه، لحظه ای است که شیطان ها پخش می شوند.

۶. فرزندانتان را وقتی به هفت سالگی رسیدند، به نماز وادارید، و آن گاه که به ده سالگی رسیدند، اگر نماز نخواندند، آنها را تنبیه کنید و میان رخت خواب فرزندانتان فاصله اندازید. (۴)

ص: ۹۷

۱- همان، ح ۴۵۱۹۸.

۲- همان، ح ۴۵۱۹۷.

۳- همان، ح ۴۵۳۱۹.

۴- همان، ص ۴۴۲، ح ۴۵۳۲۹.

۷. الْوَلَدُ سَبْعُ سِنِينَ، وَ خَادِمٌ سَبْعَ سِنِينَ، وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ. (۱)

فرزند تا هفت سالگی آقا است (به او دستور ندهید) و تا هفت سال بعد (تا ۱۴ سالگی) خادم است (از او خدمت بکشید و به او امر و نهی کنید) و در هفت سال بعد (تا ۲۱ سالگی) وزیر است (با او مشورت کنید).

۸. مَنْ سَقَى وَلَدَهُ شَرْبَةَ مَاءٍ فِي صِغَرِهِ سَقَاهُ اللَّهُ سَبْعِينَ شَرْبَةً مِنْ مَاءِ الْكَوْثَرِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۲)

آنکه به فرزندش در کوچکی یک جرعه آب بنوشاند، خداوند در قیامت به او هفتاد جرعه از آب کوثر خواهد نوشاند.

۹. حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ أَنْ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَةَ وَ السَّبَّاحَةَ وَ الرَّمَائَةَ وَ أَنْ لَا يُزُقَّهُ إِلَّا طَيِّبًا. (۳)

حق فرزند بر پدر آن است که به او خواندن و نوشتن و شناگری و تیراندازی بیاموزد و جز مال پاکیزه و حلال به او ندهد.

ص: ۹۸

۱- همان، ص ۴۴۳، ح ۴۵۳۳۸.

۲- همان، ح ۴۵۳۳۹.

۳- همان، ص ۴۴۴، ح ۴۵۳۴۰.

۱. ابن اثیر جزری، عزالدین، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.

۲. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین، من لایحضره الفقیه، منشورات جماعه المدرسین، چاپ دوم، بی تا.

۳. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، خصال، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۸۹ ه. ق.

۴. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا، تحقیق: شیخ حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، بی تا.

۵. ابن بابویه قمی، محمد بن علی، علل الشرایع، تهران، ساوه، ۱۳۸۲.

۶. ابن شعبه حرانی، ابومحمد الحسن بن علی بن الحسین، تحف العقول، قم، مکتبه بصیرتی، ۱۳۹۴ ه. ق.

۷. ابی داوود سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داوود، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ه. ق.

۸. القشیری النیشابوری، ابوالحسین مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ه. ق.

۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۳۱۳ ه. ق.

۱۰. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۷۱.

۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، دارالمکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶.

۱۲. حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف، قم، دانش، ۱۳۷۶.

۱۳. حویزی، عبدعلی بن جمعه، نورالثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۷۳.

۱۴. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره نبوی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲.

۱۵. زمانی وجدانی، مصطفی (گردآورنده)، داستان ها و پندها، تهران، پیام عدالت، ۱۳۷۴.

۱۶. سعیدی، غلام رضا، داستان هایی از زندگی پیغمبر ما، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹.

ص: ۹۹

۱۷. سیدی، حسین، هم نام گل های بهاری، قم، نسیم اندیشه، ۱۳۸۳.

۱۸. سیوطی، جلال الدین، الجامع الصغیر فی الاحادیث البشیر النذیر، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ه. ق.

۱۹. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور، قم، مکتبه المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ه. ق.

۲۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۳۹۳ ه. ق.

۲۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، سنن النبی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۲ ه. ق.

۲۲. طبرسی، ابوالفضل علی بن ابی نصر رضی الدین، مشکاه الانوار فی غرر الاخبار، بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات، چاپ دوم، بی تا.

۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، تهران، کتابسرای اعلمی، ۱۳۸۲.

۲۴. طوسی، محمد بن الحسن، الامالی، دارالثقافه، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه. ق.

۲۵. فیض کاشانی، ملامحسن، محجه البیضاء، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، بی تا.

۲۶. قاضی، عیاض، الشفاء بتعریف حقوق المصطفی، ابوالفضل عیاض بن موسی بن عیاض.

۲۷. قطب، سید، تفسیر فی ظلال القرآن، تهران، امیران، ۱۳۶۲.

۲۸. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، قم، مؤسسه انتشارات فراهانی، ۱۳۷۳.

۲۹. قمی، عباس، تتمه المنتهی، قم، انوار الهدی، ۱۴۲۳ ه. ق.

۳۰. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ه. ق.

۳۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، الجامعه لعلوم الائمه الاطهار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه. ق.

۳۲. مجله طوبی، مرکز پژوهش های اسلامی.

۳۳. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲ ه. ق.

۳۴. محمودی، محمدباقر، نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۸۶ ه. ق.

۳۵. مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر (مجموعه ورام)، بیروت، دارالتعارف، ۱۳۶۸.

٣٦. مفيد، محمد بن محمد، الاختصاص، قم، انتشارات مدرسين حوزه علميه قم، ١٤١٦ هـ . ق.

ص: ١٠٠

۳۷. مناوی، محمد بن الرئوف، فیض القدير، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ . ق.
۳۸. موسوی زنجانی، ابوالفضل، گوشه ای از اخلاق محمد صلی الله علیه و آله ، قم، آل عبا، بی تا.
۳۹. مهدی، شمس الدین، اخلاق اسلامی در برخوردهای اجتماعی، قم، شفق، ۱۳۷۳.
۴۰. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، نجف، منشورات جامعه النجف الدینیه، چاپ دوم، ۱۳۸۳ هـ . ق.
۴۱. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت(ع) لاحیاء التراث، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۸ هـ . ق.
۴۲. هندی، علاءالدین متقی بن حسام الدین، کنز العمال فی احادیث الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ هـ . ق.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

